

قیام اسلام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

متن پیام رادیویی

دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

به مناسبت سالگرد فتنه خمینی

خواهران و برادران عزیز،

هما نظروریکه می دانید ما به سهم خود تصمیم قاطع بر براندازی رژیم فاسدکنونی گرفته ایم و شب و روز در این مسیر در تلاش هستیم. ما تا آنجا که ممکن است حساب نیروهای براندازی را می کنیم. ولی این کار بدون انجام کامل تشکیلات داخلی و هماهنگی آن ها با فعالیتهای بیرون مرزی، میسر نیست. وقتی ما هما نظروریکه با رهاگفته محق شکست را از خود سلب کرده ایم، شما هم حالت بیایس و بی تفاوتی را از خود دورکنید. یک ملت زنده تسلیم حوادث و قدر نمی شود.

هر قدر که ما به مرحله براندازی نزدیک ترمی شویم، از خودگذشتگی شما هم باید افزون شود تا سقوط رژیم ضد انسانی چندجناایتکار بی شعور بیش از این به تاءخیر نیفتد. ما شما دست در دست، باید شرف و آزادی کشورمان را باز گردانیم. البته صحبت از بازگشت به فساد و استبداد گذشته نیست. غرض از این همه فداکاری ها ساختن یک جامعه ایرانی بر اساس ملی گرائی و حاکمیت ملی است. و این کار میسر نیست جز به کمک تمام افراد ملت.



نقشه در صفحه ۲

احمد میرفندرسکی

در گفتگویی با رادیو ایران

حکومت ملی حافظ منافع وطن

آقای میرفندرسکی، عضو شورای نیتت مقاومت ملی ایران و وزیر امور خارجه دولت بختیار در گفتگویی با رادیو ایران نقطه نظرهای حکومت ملی بختیار را در باره سیاست خارجی ایران بیان کرد. وزیر امور خارجه دولت بختیار تا کنونی کندک: حکومت ملی در هیچ گروه بندی سیاسی منطقه ای چه از نوع سرنی یا غربی شرکت نخواهد داشت. دولت ملی منحصر " حافظ منافع مردم و الح قه و مشروع ایران است و مسئولیت و مبادرت حفظ منافع هیچ یک از کشورهای جهان را در منطقه عهده نخواهد گرفت.

سؤال - دکتر بختیار، به نام ارائه برنامه خود در دیماه سال ۱۳۵۷، سیاست خارجی دولت را مبتنی بر شناخت صحیح واقعیات داخلی و خارجی و مداخلت و مبادرت در روابط سیاسی ملی، اعلام داشت. شما بعنوان وزیر امور خارجه دولت بختیار علل این موضع گیری و دیدگاههای سیاست خارجی را چگونه توجیه می کنید. جواب - تشکیل دولت اصلاح طلب دکتر بختیار، بعنوان تنظیم و تعدیل سیاست داخلی مبتنی بر آزادی و مشارکت جامعه در امر حکومت در سیاست خارجی کنونی تحولی کیفی و تنبیهی اساسی رخ داد که در برنامه سیاست خارجی دولت انعکاس یافت. اصول سیاست خارجی حکومت ملی از نیتت و روح منشور ملل متحد الهام و ما یسند.

انوح مخمسی

پیروزی نزدیک است

خمینی و ملایان فرمانگزارش، که به افسون و افسانه جنبش آزادیخواهی ملت ایران را به بیراهه بردند و اکثریتی را به درون دام خنثیگرایی کشیدند، بسیار آسان طبل پیروزی نواختند و فتحنا مه ها به اکتاف جهان فرستادند. مدت ها، در عالم و هام حکومت خود را تثبیت شده و بلا معارض پنداشتند و به دلگرمی تور و هیجان کوچ و با زار، دست تظاول به حقوق و جان و مال مردم کشودند. اما اکنون دیری است که بیروا قیعتی تلخ چشم کشوده اند: ملتی را که با عقل قاصر خود، رام شده و تن بقضا داده می پنداشتند، بیباخته و عازم مبارزه، در برابر خنود می یابند.

نقشه در صفحه ۲

تولید نفت ایران کاهش شدید

منابع آگاه نفتی و کنسیرانی در لندن با استناد به گزارشهای متعددی که از منابع مختلف خلیج فارس رسیده اعلام داستند: بر اثر بمباران هفته گذشته نیروی هوایی عراق صادرات نفت ایران از جزیره خارک بکلی قطع شده است. همین منابع گفتند تعمیرات سیات بمباران شده و از سر گرفتن مدورنفت از خارک هفته ها بطول خواهد انجامید. یادآوری می شود ایران هفته گذشته اعلام داشت که برای جلوگیری از ادامه کاهش بهای نفت تصمیم گرفته است صادرات خود را به نصف تقلیل دهد. ولی وزیر نفت عراق ادعا کرد که این تصمیم اجباری بوده و با بحران جهانی نفت هیچ ارتباطی ندارد. زیرا منهدم شدن تا سیات نفتی جزیره خارک طی بمباران روز پنجشنبه ۸ روز پیش موجب قطع مدورنفت از این پایانه شده است. منابع نفتی و کنسیرانی در لندن می گویند: ایران در حال حاضر تنها از طریق جزیره سیری و آن هم با استفاده از نفت ذخیره شده خود میتواند به سیات صادرات محدودی ادامه دهد. همچنین سیات از بمباران سنگین خارک جنس نفتکش در آن با رگیری کرده و رهسپار پایانه نفت جزیره سیری شده بودند. با این همه ذخیره موجود ممکن است کفا فیک هفته را بدهد. صادرات نفت ایران در روزهای آینده بشدت کاهش یابد. بنابراین ارزیابی مدورنفت ایران تا تعمیر و بکار اندازی مجدد پایانه خارک ممکن است به روزی دوهزار بشک محدود شود. در همین حال اقدامات سریع برای بکار انداختن پایانه نفت بندر گناوه ادامه دارد. به گزارش خیرگزار فرانس فلیج شدن بقیه در صفحه ۴

عناصلی بختیار

روزهای دشوار

اتخاذ شد، زیرا میزان تولید این کشور از حدود ده میلیون و پانصد هزار بشکله در روز در سال ۱۹۸۸ به دو میلیون و پانصد هزار در تابستان ۱۹۸۵ کاهش یافته بود. در پی افزایش تولید عربستان، این نگرانی پدید آمد که در کوتاه مدت، میزان نفت عرضه شده برشقا با بچریدو در نتیجه، قیمت نفت از ۲۶ دلار تعیین شده برای هر بشکله، کمتر شود، اما به علت شروع فصل سرما و افزایش ذخایر استراتژیکی دولت ها، اثر افزایش عرضه اندکی دیرتر در بازار مسودار شد. در اواخر سال گذشته و به ویژه در ژانویه بود که قیمت شدیداً روبه گشتنی ست که یکی از علل تا شیر سربع رابطه تولید و مصرف بر قیمت، و جسد بقیه در صفحه ۴

دوشنبه گذشته، کمیته ویژه ای که در اجلاس اوپک در مسکو برگزار شده، به منظور حفظ سهم عادلانه این سازمان در بازار جهانی، به کارگزار شده بود، با شرکت پنج تن از وزیران اوپک دروین تشکیل شد. از همان لحظه انتشار این خبر، گزارش شد که کارشناسان جهانی نفت، امید به نتیجه بخش بودن جلسه این کمیته ندارند و آن را چون نوشداری پسر از مرگ سهراب می دانند. در آخرین اجلاس وزیران اوپک در وین تصمیم گرفته شد که به جای تلاش در نگهداشت قیمت پایه اوپک، از سهم عادلانه آن در بازار جهانی نفت که روز به روز از آن کاسته می شد، دفاع به عمل آید. این تصمیم زیر فشار عربستان سعودی

می گیرد، زیرا حکومت ملی، منشور ملل متحد را تا طور حاکم بر روابط بین المللی و بمنزله اساس حقوقی جامعه بین المللی می شمارد. سیاست خارجی دولت دکتر بختیار بر اصولی که ذکر می کنم متکی بود و در آینده هم خواهد بود: با توجه به اوضاعی که امروز در ایران حکمفرماست، تصویری کتم قسمت اعظم برنامه سیاست خارجی دولت ملی که روی کار خواهد آمد، در جهت کوشش برای راج کردن ایران از نزوای سیاسی (که نتیجه اعمال رژیم کنونی در محنه بین المللی است) و بازگرداندن اعتبار و حیثیت ملی ایران خواهد بود. با یسد بد جهان نشان داد که ایران در برابر تعهدات و قوانین بین المللی احساس بقیه در صفحه ۴

کاروان

حجت الاسلام

در صفحه ۵

پیروزی نزدیک است

نسخه از صفحه ۱

ملت ایران، روزی که در دام فریب این گروه نقاب آزادیخواهی و عدالت طلبی بر چهره زده، افتاد آنقدرها گناهکار نبود. برای آزادیستن و بدست گرفتن مقدرات خویتی به حرکت درآمده بود. اما پس از خیرگی چشم - نتیجه گذرناگهانی از تاریکی به روشنایی - نتوانست تا روپود دام گسترده را تشخیص دهد و فریادهای هتادرت بختیاری، به علت خوهیجان زده و فشنای پرها بیوهی که آخوندقم و یادیت، به هزار ترسند، بوجود آورده بودند، به کور کسی نرسید، که اگر رسیده بود چه بسا به سلامت از میلکس می گذشتیم.

عاقبت توطئه آخوندهای قدرت طلب با همدستی عناصر صربی وطن و ما مور، و خیانت معدودی از نیک پروردگان رژیم، به فاجعه سلطه ارتجاع و استبدادی انجامید که استبداد پستین در برابر آن رنگ باخت.

مملکت شروتمندی که میتوانست با یک رشته اصلاحات اساسی و کاملاً ممکن، به سرمنزول رستگاری برسد، به ما تمکدهای جنگ زده و ویران مبدل شد.

اما دوران بهت و وحیسترت فلج کنندهای که پس از نزول هر بلای ناگهانی پیش می آید، عاقبت سپری شد و آن اکثریتی که بخطا، آزادی و استقلال را زیرعبای آخوند ریاکار و قدرت طلب بسته بود، خیلی زود به اشتباه عظیم خود و درستی تشخیص بختیار - کس پیش بینی های دیگری بعد از دیگری به واقعیت می پیوست - پی برد: به معاینه دیدگانه تنها به آنچه طلب میکرده نرسیده، کددا روندار مادی و معنوی خود را بمسور از دست می دهد. آنگاه بود که عزم

مقاومت کرد. مقاومتی که در آغاز بعلمت پراکندهگی از یک طرف و سرکوب خونین حاکمان تازه نفس از طرف دیگر، بسیار سخت و طاقت فرسا بود. اما امروز که شکل و اتحاد نیروهای مقاومت و مبارزه، حکومت ملایان را در موضع ضعف قرار داده است، امید پیروزی از هر زمان دیگر بیشتر است و جرحش میتوان گفت که در این هفت سال هیچگاه چنین فرصت مناسبی و چنین آمادگی همه جانبه ای، از طرف فشرهای مردم، برای نجات مملکت در پیش نبوده است.

بر اثر پنج سال جنگ، سخر عمدهای از رزخیزترین نواحی مملکت به ویرانهای بدل شده و خانوادها نیست که به عزای عزیزی نشستند باشد. مدها هزار جوان ایرانی - امیدهای آینده مملکت - قربانی جاه طلبی احقانه خمینی شده اند. تحمل مردم به پایان رسیده است. پدران و مادران دیگر نمی خواهند چکرکوشکان خود را بخاطر هوی و هوس یک دیوانه، فدا کنند.

نوجوانان مملکت که هنوز به قتلگاه فرستاده نشده اند، از فضای سیاه اختناق و سرکوب به جان آمده اند. میخواهند زنده بمانند و زندگی کنند. نادمان و سرخوش با سنده و شور و جنبش و پاکوبی - وابسته به طبیعتشان - آن ها را به پشت میله های زندان نفرستد.

در دنیائی که به سرعت بسوی قله های رفیع دانش در حرکت است،

مغزهای جوان و طالب دانستن، خرافات قرون وسطائی را که، آخوندهای می خواهند در مدارس و دانشگاهها بخوردشان بدهند، پس می زنند، کتابهای ممنوعه را میخوانند و علوم ما دره از فیضیه قم را آشکارا به سخره میگیرند.

گارمندان دولت که خسته از تبعیضهای گذشته، از استبداد سادانندیشی، به معجزا مام امید بسته بودند، به محرومترین و محتاج ترین قشرهای جامعه مبدل شده اند و با تورم سالانسه حدود ۴۰ درصد، برای گذران زندگی باید، با پاکذاشتن بر عزت نفس خود، دست پیش را این و آن دراز کنند. در نتیجه امروز، بعنوان مقاومت، به کم کاری و حتی کارشکنی در مورد دولت متوسل شده اند.

زنان ایران که به صورت ضعیفهای بسته بندی شده در چادر و چاقور، به کنج مطبخ ها برگردانده شده اند تا به رنکاء غریزه جنسی مردان و تولید نسل بپردازند، میخوانند و سوخت مصممند که شخصیت انسانی و جای خود را در جامعه فعال باز یابند و بخاطر پیروی از غریزه زنانه، آزادی و جلوه گیری زندان و شلاق و برچسب فساد و وحشت را تحمل نکنند.

ارتشیان ما که پیش از همه گروه های اجتماعی مورد تجاوز و سرکوب رژیم قرار گرفته بودند، از آن زمان که دیگر مسئله دفاع از آب و خاک وطن نبوده است، دیگر پیوندی با رژیم ندارند، حاضر نیستند آلت اجرای مقاصد توسعه طلبانه ملای دیوانه قرار گیرند و با تحمل خفت فرمانبرداری از ناظران نادان و بی صلاحیتی با صلاح مکتبی، جوانان بی گناه و بی سلاح را به پیشیاز تسویب و خمپاره بفرستند. اینان بیشتر از هر زمان، آماده اند که نیروی خود را در خدمت جنبش ملی آزادیبخش بگذارند.

کارخانها و کارگاهها - محروم از مدیران و مهندسان صاحب صلاحیت - با زنگار افتاده اند با حداقل ظرفیت تولید، کار می کنند و رژیم بعنوان راه حل مشکل بیکاری کارگران، میکوشد آنها را به جبهه جنگ اعزام کند. اما کارگران زیر بار نمی روند. توسعه داد فوق العاده فراریان از جبهه، که در اسناد محرمانه رژیم مکتوب منعکس شده است، نشانه اینست که دیگرانسون کلید بهشت اش خود را از دست داده است.

قضاات تحصیل کرده دادگستری - آنهائی که هنوز مشمول تصفیه نشده اند - با خشم و عمیانی فروخورده، شاه دروز مسموم سیاهکاری های طلبه های جا هلسی هستند که، به اقتدای رهبر مجنون خود، بر همه اصول حقوقی، نتیجه چند هزار سال پیشرفت جامعه بشریت و خط بلطان کشیده اند و احکام و حشیا نه انتقام و قصاص را با قساوت و شقاوتی آبروریزی اجرا میکنند.

آن گروه از جوانان، که در اثر ناپسا مانی های اجتماعی و اقتصادی، با امیدستن به عدالت اجتماعی موعود آخوندها، با زوی خود را به عنوان پاسداران انقلاب در خدمت حکومت گذاشتند، به این

واقعیت غم انگیز رسیده اند که تنها اتفافی که در جمهوری انقلابی اسلامی افتاده، جا بجا شدن ثروت از کیسه یک گروه به کیسه گروه دیگر بوده است و سهم آنها در این معامله، گذشته از لقمه نانی که میخورند، تنها خشم و نفرت بی حدودی است که در نگاه واقوال و افعال اکثریت مردم نسبت به خود احساس میکنند و می دانیم که اکنون مفری می چویند.

قشری از روحانیون واقعی، ز همان آغاز فتنه با روشن بینی نتایج شوم دست اندازی آخوندهای قدرت طلب بر حکومت را پیش بینی می کردند اما جو پرتب و تابیی که بوجود آمده بود، به آنها مجال و امکان ابراز عقیده علنی نمیداد. گروه دیگری نیز از روحانیون بودند که به سراب حکومت اسلامی چشم امید دوخته بودند. آن ها و این ها، امروز بخوبی دریافته اند که جنایت ها و شناعت های خمینی و آخوندهای بیشتر به حساب دیانت و روحانیت گذاشته شده و بخوبی می بینند که چنانچه از بین آنها و مردم جدائی افتاده است. خوشبختانه بسیاری از این روحانیون بیدار یا بیدار نشده، اکنون بنحوم و بیش علنی، همراه با ملت ایران، علیه آخوندهای حاکم جبهه گرفته اند.

این مرور مختصراً میتوان با اشاره به سرنوشت همه قشرهای جامعه، زده ها شان و پیشه وران تا حتی صاحبان مشاغل آزاد - که اگر چیزی به کیسه آن ها میروند اسکناس های فاقد قدرت خرید است - تکمیل کرد.

سرنوشت فحجعی است که جده آسان می شود از آن احتراز کرد. کشور ما بهشت نبود، اما می شد با کوتاه کردن دست جهنمی ها از مراکز تصمیم گیری، راهی به ساحل سلامت برد.

دکتر بختیار به این کار همت گماشته بود و اگر کذاشته بودند... این یک شرا سیاسی نیست. واقعیتی است که با نگاهی سریع به برنام دولت بختیار رونق میماند که در حکومت ۲۷ روزه او گرفته شد، در برابر دیدگان بی غرض، قرار میگردد: برنام سیاست خارجی، نامین استقلال و آزادی عمل دولت در برابر خارجی در عین حفظ و توسعه روابط و همکاری با کلیه دولتهای جهان بر اساس احترام متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر بود. اصول سیاست داخلی آن، بخصوص - تا مین آزادیهای فردی و اجتماعی - اعاده حیثیت و استقلال قوه قضائی - مبارزه با فساد - برنام سه ریزی کشاورزی و صنعتی - تا مین اجتماعی - ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قانون بود. یادآوری اصول برنام دولت بختیار بعنوان تاء سفیر گذشته نیست، بلکه برای بخاطر آوردن اصولی است که عمدتاً بر برنام دولت موقت، پس از آزادی ایران، حاکم خواهد بود.

اینکه امروز می گوئیم پیروزی نزدیک است، بر پایه وهم و خیال نیست. نتایج مبارزه چند ساله نهضت مقاومت ملی ایران به ما حق می دهد که این پیروزی نزدیک را به هموطنان خود بدهیم. نهضت مقاومت ملی ایران در سیخ نیروهای فعال داخل و خارج کشور سخت موفق بوده است.

اولین و مهم ترین موفقیت نهضت این بوده است که توانسته است ملت ایران را از مرحله مقاومت به مرحله مبارزه بگشاند که در مقابل رژیم ملایان درواجه سه با این تحول اساسی، از مرحله

تعرض به مرحله، تدافع اجبار یافته است.

به دلالت نهضت مقاومت ملی، هسته های مقاومت با زمان یافته در سراسر کشور در طول سال جاری، بنحوفوق العاده میدوارکننده ای افزایش یافته است، هسته های که بطور خودجوش بوجود آمده و با نهضت مقاومت ملی ارتباط برقرار کرده اند.

موفقیت دیگر نهضت مقاومت ملی ایران - که آن را نیز نباید دست کم گرفت - این است که با تمام وسائلی که در اختیار داشته افکار عمومی جهان را نسبت به ما هیت رژیم خمینی روشن ساخته است. نهضت موفق شده است که به قدرت های جهانی این واقعیت را برساند که داد ما حکومت ملایان، بیش از آنکه بضرر منافع و مصالح ملت ایران است، برای ملسح و امنیت منطقه و دنیا سخت خطرناک است و تا چنین رژیمی برجا است منطقه روی ملسح و ثبات و آسایش نخواهد دید. در نتیجه امروز رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در عقاید و افکار مردم جهان منغورترین رژیم ها بصحاب می آید، بلکه قدرت های بزرگ دقیقاً دریا فتنه اند که هیچ نوع سازش و کناره گیری با چنین حکومتی، که هیچ اصول اخلاقی و حقوقی مورد قبول جامعه متمدن بشری پای بند نیست و وسیله بقا پیش را بر اساس ترور و وحشت، نه تنها در سطح داخلی بلکه در سطح بین المللی قرار داده است، بهیچ وجه امکان ندارد.

آنچه پایه های امید ما را به سقوط نزدیک حکومت ملایان مستحکم تر می کند و رشکستگی اقتصادی رژیم و بن بست مالی بسیار نزدیک آنست که آخوندهای حاکم می کوشند آن را به ترفندهای شناخته شده ای، زیر پرده اختفاء ببرند:

بودجه جنگ حدود نیمی از درآمد کشور را می بلعد و به گفته نخست وزیر جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۵ به میزان ۱۲/۵ درصد به بودجه جنگ افزوده اند. حساب سادهای

است، ساده و درخور فهمیم حساب ندان ترین افراد: میگویند در بودجه سال ۶۵، با حذف تمام هزینه های عمرانی، ۱۶۰ میلیارد ریال درآمد نفتی منظور کرده اند که با وجود این، ۶۲۸ میلیارد ریال کسر بوده اند. بفرض اینکه این دولت ذلیل و زبون بتواند صادرات نفت را به میزان قبلی فعلی نگاهدارد، نباید از یاد برد که آقایان درآمد را بر پایه سه هربشکه ۲۸ دلار محاسب کرده بودند و از دو هفته قبل بهای یک بشکه نفت از مرز ۲۰ دلار بشکته با تین تر رفت و اول بهمن ماه جاری وزیر نفت عربستان سعودی اعلام کرد که با احتمال بسیار قوی قیمت هربشکه نفت تا بهار آینده به ۱۵ دلار هربشکه سقوط خواهد کرد. قریبه صحت پیش بینی او اینکه روز چهارم بهمن ماه نفت دریای شمال بشکهای ۱۷ دلار فروخته شد. ورشکستگی مصداقی بهتر از این نمی تواندها شده باشد.

برای پیش بینی آینده رژیم ملایان، به علم غیب نیازی نیست. همه، با اکثریت قشرهای مردم ما، اگر به مرز عصیان نرسیده باشند، سخت ناراضی هستند و قشر فعالی از جامعه، با تشکیل هسته های مقاومت دست به مبارزه زده است. چنگال خونین رژیم کشنده و برای مقابله با آنان تا توان است زیراناراضی توام با احساس گناه، با زوی ملسح رژیم، یعنی ما - مسوران بقیه در صفحه ۱۰

متن پیام رادیویی

دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

به ناسبت ساگرد فتنه خمینی

بقیه از صفحه ۲

تمام کوشش های مردم ایران در ۷ سال گذشته دوهدف داشت: یکی تلاش مستمر برای حفظ فرهنگ و هویت ملی ما در مقابل رژیم ضد ایرانی آخوندهائی که هدف اصلی آن ها نابودی این فرهنگ و این هویت بوده است. دیگری مبارزه برای آزادی و برقراری آزادگسی اقراد کشور. آخوندها نتوانستند فرهنگ کهنسال ایران و غیرور ملی ما را بزدایند. پس در این مرحله ملت ایران پیروز شد و دلیل روشن آن چاپ وانتشار روزافزون مدارک ادبی - فلسفی - تاریخی و تحقیقات سودمند در اطراف بزرگان ایران است. چنانکه با وجود اختناق و فشار دستگناه ملایان بیسواد، ظرف ۷ سال گذشته، بیش از هر وقت مردم کشور به سوی فرهنگ ملی خودگرایش پیدا کرده اند. در مورد آزادی و حاکمیت ملی بر طبق قانون اساسی، ما احتیاج به از خودگذشتگی و هماهنگی بیشتری بین نیروهای داخلی کشور و میان رزان برون مرزی داریم. من نسبت به سهم خود در این راه آتی آسوده نبوده و تا جان دارم، با وجود اشکالات، کارشکنی ها، غرض ورزی ها و کوتاه نظری ها، به حاکمیت ملی و قانون اساسی پای بند خواهم بود. هر کس، در هر لباس و در هر موضع، بخواهد به حاکمیت ملی و به قانون اساسی خدشه وارد کند، مرا در مقابل خودخواهد دید. روی این اصول هیچ ایرانی باسرف و آزاده و مخصوصاً پسران تحمل این همه بدبختی و نابسامانی نمی تواند معامله کند. در این صورت هر نوع سفسطه و پشت هم اندازی جز وعده سرخرمن نخواهد بود. اکنون و فهرست وار مطالبی که مورد علاقه شماست بیان می کنم:

ارتش آئینه ایران باید یک ارتش ملی با ضوابط روشن و همانند تمام کشورهای دمکراتیک، در خدمت کشور باشد. فاجعه ۲۲ بهمن ضمن آگاهی های دیگر، بیا یاد داد که اشتباهات و تبعیض های گذشته ما به اصلی بروز فتنه خمینی بود. تا آنجا که من اطلاع دارم، افسران دلیران که در شرایط دشوار و غیر انسانی در یک جنگ احمقانه بکار گرفته شده اند، به هیچ وجه مایل به تجدید وضع قبیل از بیست و دوم بهمن نیستند. همانطور که شش سال پیش سرتییب افشخا آفرین، آیت محقق، می گفت و همانطور که سرنگ آن خود گذشته، عزیز مرادی، بارها یادآوری می کرد، ارتش آئینه ایران باید بر اساس ملی گرایی و ارزش های واقعی پایه گذاری شود. همین نظم باید در سایر سازمان های کشور بیاده شود.

جوانان کشور که سالیان دراز آزادنش سیاسی و آزادی بحث و گفتگو برخوردار نبودند، از سال ۱۳۴۲ به تدریج جذب دوجریان ضد ملی، که از طرفی آخوندهای قشسری و از طرف دیگر کمونیسم بین المللی بود، شدند. هر دو جناح آزادی فکر و اختیار را متفاد را از جوانان ما گرفتند. تمام مسائل و مشکلات جهان را مثنی شیا در طرفدار ولایت فقیه، یعنی ان بهترین و تنها دا روی رستگاری به جوانان عرضه

کردند. جوانان خالی الذهن هم نیروی خود را در اختیار آن ها گذاشتند. چه فداکاری های عیب و چهار خودگذشتگی های بی حساب برای آماده کردن حکومت ظلم و ستم کنونی که این نوع جوانان بیگناه نکردند. چون خلا فکری آن ها به وسیله یک سلسله راجیف پر شده بود، دست به هرگونه خلاقی زدند. آن ها فداکاری کردند تا مشتی آخوند سودجو و هرجائی به جایی برسند. جناح دوم کسه سازمان های ورزیده و سابقه دارند، پیشتازان خلق شدند و در راه بی وطنی و ایران سوزی با گروه اول به مسابقه پرداختند. وجه مشترک آنها نفرت از ایران و آزادی و حقی حاکمیت مردم آن بود. سبک و روش هر یک به وسیله فرماندها نشان تعیین می شد. ولی آنچه که هر دو گروه را به هم نزدیک می کرد عدم تعقل و منع آزاداندیشی بود. این نیروی عظیم، دانسته یا ندانسته، در اختیار فتنه خمینی قرار گرفت. ما بقی ما جزا را همه شادیم. رهبران گروه اول ملی گرایی را کفر دانستند و ما حینظران گروه دوم ضمن سلب آزادی، شعارهای پیش ساخته منابع خارجی را به جوانان ما تحمیل کردند.

مسئله جوانان و آئینه کشور آنچنان به هم مربوط است که حل مشکل این یک بستگی به چاره جوئی آن دیگری دارد. برای هر دولت مسئول و ایران ساز، آموزش سیاسی جوانان و رفع تحمیق و تحصب باید در صدر برنامه باشد.

عشایر ایران و ستمهایی که به آن ها شده و می شود، نباید از نظر دور بماند. من شخصاً در موضعی قرار دارم که در آن ها و مسائل عشیره ای را به خوبی می شناسم. نزدیک یک چهارم مردم ایران را عشایر آن تشکیل می دهند و سالیان دراز با سبکسری و عدم درک احتیاجات زندگی شان، نسبت به آن ها بی اعتنائی و حتی بی رحمی روا داشته شد. یک دولت مسئول و دادگستر نباید مردم کوه نشین را به دلیل فقر و دورافتادگی از مراکز ثروت به چشم حقارت نگاه کند.

کارگران کشور در ۴ سال اخیر با زیچه دست شیا دان سیاسی و گروه های بودند که برای رسیدن به قدرت از وجود آنها به نفع مختلف سوء استفاده می کردند. به احزاب، به سندیکاها، در چارچوب انقلاب های رنگارنگ نیروودادند. ولی چون آن احزاب و آن سندیکاها اصولاً فاقد پایگاه ملی و مردمی بودند و به دستور و به فرمایش مشتی دلال سیاسی و به منظور اعمال یک سیاست غیر انسانی برای مدتی تشکیل می شدند، کارگران با لآخره دریا فتند که آلت دست غیر شده اند و این سازمان ها برای سوء استفاده سیاست بازان بوجود آمده اند. وقتی پرده پندار و رویا افتاد، برای هیچ زحمتکش ایرانی ایمان به تشکیلات باقی نماند. این وضع به طریق وحشتناک در ایران امروز به چشم می خورد. دستاورد طبقه مولد ثروت، نه عادلانه تقسیم می شود و کسی به عدالت اجتماعی آخوند و ملایان عقیده مند است.

ثروت کشور را صنعتگران، مهندسان، تکنیسین ها و کارگران آن تولید می کنند. پس بهره مندی آن نشان با بدبراسا س لیاقت و ارزش کارشان باشد. روح ابتکار نباید در هیچ یک از آن ها پژمرده شود.

کشوری که تولید ثروت نکند به در یوزگی و اسارت بین المللی دچار می شود و اگر توزیع ثروت کشور بر اساس ارزش و عدالت نباشد، علاوه بر دلسردی دست اندرکاران، روح عصیان در آن ها بوجود خواهد آمد. آنچه که در یک جامعه پیشرو باید در مدنظر گرفته شود و با لائسراز سودکا فرما و کارگزار است، موفقیت دستگا تولید است. اول با بد ثروت تولید شود سپس با دقت و عدالت بین تولیدکنندگان توزیع شود.

صحبت از عدل و عدالت شد. شما اگر دقت کرده باشید، شاید موضوع دادگستری و استقلال آن نسبت به سایر نهادها، قضی و مهم ترین و لازم ترین وظیفه یک دولت ملی دمکرات باشد. هیچ چیز به عقیده من در کشوری پایدار نخواهد ماند مگر آنکه در آن کشور یک دادگستری به مفهوم واقعی برای احقاق حق مردم آن کشور مستقل عمل کند. بگذرید از وضع کنونی و نکتت بار رژیم ملاحه که عدالت، چیزی جز اعمال اغراض خمینی و چند شیا دیگر نیست. مجربان عدالت هم مشتی دیوانه مسلح و بی شرم هستند. ولی لازم است که شما فرزندان من، بدانید که در ۷ سال گذشته هیچگاه ایران دارای دادگستری به مفهوم قانون اساسی نبوده و اگر در طول زمان ندرتاً عملی بر طبق موازین عدل و قانون انجام شده باشد، یا شما مت شخصی یک قاضی و یا نظر مسا عدستگاه اجرائی کشور با آن عمل بوده است. عدالت بدون استقلال و بدون ضمانت اجرائی افسانه مضحکی است. پس در ایران فردا آزادی - شرف و استقلال هر یک از ما، قبل از هر چیز، بستگی به داشتن یک دادگستری مستقل دارد.

از زمان کشور که پیش از هر گروهی مورد ظلم و تحقیر آخوندهای بی شرم قرار گرفته اند، بارها سخن گفته شده و تمام مردم جهان از ما هیبت بلید و رفتار غیر انسانی دست اندرکاران کنونی آگاه هستند، آنچه همه ما را امیدوار می کند، سرسختی و مقاومت این شیرزنان در مقابل رفتار اراذل و اوباش رژیم است. هر چه بیشتر فشار رومی حرمتی می بینند، پایداری و استقامتشان زیادتر می شود. اکنون زن ایرانی منبع الهام و مرکز اصلی اراده ملت برای آزادی و بازیافتن ارزش های جاودانه کشور ما شده است. هجوم وحشیانه و مستمری که عنا صر بلید و فروما به نسبت به آن ها روا می دارند و واکنش آن ها، چهره آنان را در تاریخ معاصر ایران درخشان تر و نورانی تر می بخشد.

تجربه تلخ حکومت منحوس کنونی، روحانیون غیر آلوده کشور را بیدار و آگاه ساخته است، افرادی که شب و روز به فکر اندوختن ثروت و رشوه خواری هستند، آن ها شیکه برای پایداری یک حکومت تنگین و ستمگر تلاش می کنند، حسابشان از روحانیت و ارسته و منزه جدا است.

ما با رها به روحانیت دیندار و غیر آلوده به جنایات و آدم کشی های خمینی، این نکته را گوشزد کرده ایم. این شرط انصاف و مروت نیست که یک روحانی دیندار و عدالت پیشه را به چشم دشمن یا مخالف بنگریم. یا کان کشور در هر لباس و هر کسوت که باشد، با پسد موردا احترام بمانند.

پیش از ختم این گفتار لازم می دانم چند کلمه راجع به آذربایجان بگویم: هر وقت که نگاه من به نقشه پهنا و رود بلند ایران می افتد و ارزش ها و مسائل هر یک از اقوام ایرانی را مدنظر می آورم، نمی توانم به شها مت و ملی گرایی آکشریت قاطع منطقه آذربایجان توجه نکنم. این خطه که در وضع بسیار حساس و پیچیده جغرافیائی واقع شده، از بروز فتنه خمینی تا کنون رفتار و متانت مردم دلیرش مافوق ستایش بوده است. من می اندازه نگران بروز تحریکات و نابسامانی ها در دو استان آذربایجان بودم. شکر خدا که مردم آن مرزوبوم شرافت ایرانی بودن را، سپری در مقابل فشارهای مشتی فروما به کردند و نتوانستند از بوته امتحان ملی گرایی، مثل همیشه، سر بلند در آیند. مردم ایران پس از آزادی، باید به هر نحو که ممکن است، به آذربایجان قهرمان بیشتر از پیش اجر بگذارند.

از اقتصاد و رشکسته دستگاه سخن نگفتم، شما خودتان شاهد و ناظر آن هستید. با تنزل قیمت نفت، که منبع اصلی درآمد رژیم کنونی است، وضع خمینی باز بدتر خواهد شد.

دیشب تلفن یک هموطن مسرا از خواب بیدار کرد و پس از آنکه آطمینان حاصل کرد که خود من با او صحبت می کنم، گفت: من از ایران با شما صحبت می کنم و مساعدهای هستیم اکثر اشالی و شیرازی. خود شرا "حمید" نامید. و من با او و دوسه نفر دیگر مختصر صحبتی کردم. آنقدر آن ها هیجان زده و من منقلب بودم که نتوانستم سخن را ادامه دهم. حرف آن ها یک کلام بود: آقای بختیار، شما اطمینان داشته باشید که ما تسلیم رژیم خمینی نخواهیم شد، مبارزه را ادامه دهید تا پیروزی، یا شما هستیم و ایران هرگز نخواهد مرد.

مصاحبه رادیو ایران با

شاهرخ وزیر

دولت بختیار بیانگر اراده ملی

رادیو ایران با آقای شاهرخ وزیر، ری عموشورای نفثت و مقامت ملی ایران گفتگویی داشته است در موضوع قانون خواهی و احترام به آزادی. به عنوان اصول اساسی دولت بختیار، به متن این گفت و شنود توجه فرمائید.

سؤال - آقای شاهرخ وزیر، حکومت ملی دکتر بختیار رگخته از ما یرجنبه ها، سبب انگر با زکست به قانون است. این امر ملما سابقه تاریخی دارد. تاریخی به قدمت مبارزه ملت ایران علیه استبداد. ممکن است شما به ریشه های این رویارویی یعنی رویارویی جنسی قانون خواهی در مقابل حرکت ضد قانون اشاره می فرمائید. جواب - بله باید گفت که از جنبه شر مشروطیت به بعد و در جوان سیداسی بقیه در منحه ۱

روزهای دشوار

بقیه از صفحه ۱

باران یک محموله‌ی روتراک است. پیراژان، نفت به صورت قراردادهای درازمدت معامله می شد و اگر کشوری تولیدش را بالا می برد، سالیانه پیشاپیش برای آن خریداری می یافت، اما امروز نزدیک چهل درمداز نفت های ما دراتی جهان آزاد در برابر روتراک به صورت تک محموله‌ی، دست به دست می سود و از این رو، هرکس می تواند با چندگشتی از تولید خود را به بازار عرضه دارد. دقیقاً " این نوع نفت نفت دریای شمال در روتراک بود که قیمت را از ۲۶ دلار به زیر ۲۰ دلار کاهش داد.

هرگاه فروشنده‌گان نفت می توانستند رقم ۲۰ دلار را حداقل قیمت حتی برای مدتی نه چندان دراز محاسبه کنند، شاید دشواری های چندانی برای آن ها به بار نمی آمد، اما پس از پایان یافتن فصل سرما و بردن انبارهای نفتی دولتی و تولیدکنندگان، دیگر آمیدی به نیت نسبی قیمت نمی توانست داشت و از هم اکنون کسی چون شیخ زکی پیمان نمی سخن از نفت بشکستی پانزده دلار به میان می آورد.

در این میان، سقوط قیمت دلار به عنوان ارز مورد معامله نفتی در برابر هم ارزهای عمده جهان، زیان کاهش قیمت نفت را دوچندان می سازد.

اکنون نگاهی به وضع کشورهای صادر کننده نفت، پس از سقوط قیمت طلای سیاه بیندازیم.

انگلستان که او یک امید داشت از همکاری های آن در جهت کاهش تولید درباری شمال و نتیجتاً " حفظ قیمت، بهره مند شود به درخواست او یک پاسخ رد داد و آماده شده است که گسردرآمد خود از محل مالیات بر فروش نفت دریای شمال را در بودجه آرزاهای دیگر جبران کند.

مکزیک، هفته گذشته، اعلام داشت که قیمت نفت خود را چهار دلار در بشکست کاهش خواهد داد تا بتواند در برابر رهای آمریکا با نفت های دیگر رقابت ورزد. حاجت به توضیح نیست که مکزیک در حدود صد میلیارد دلار به موازات مالی بین المللی مقروض است و پیداخت بهره چنین وام سنگینی، بخش درختور ملاحظه‌ی از درآمد نفتی آن را می بلعد.

عربستان سعودی هنوز معادل ۸۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد و درآمد نفتی اثر نسبت به شش ماه پیش، تقریباً دو برابر شده است. بنا بر این، موردی برای نگران شدن ندارد. نیازی به یادآوری نیست که عربستان بزرگ ترین ذخایر نفتی جهان را دارد و وجود همین ذخایر است که سیاست آن را از سایر کشورهای نفتی دیگر، متمایز می سازد.

کویت و امارات متحده عربی و قطر نیز چندان در معرض خطر قرار ندارند، زیرا به عنوان نمونه، کویت از سرمایه‌گذاری های ده ساله گذشته خود، درآمدی بیش از درآمد نفتی اثر تحصیل می کند. وانگهی، دارای ذخایر ارزی با نسبه درخور ملاحظه‌ی ست. ونزوئلا و به ویژه، نیجریه به علت

وام های سنگینی که دریافت کرده اند، در شرایط ناگوار قرار دارند. و اما جمهوری اسلامی از درگونی های تازه با زار رفت، آسیب ها خواهد دید. در این زمینه، نخست باید داده ها را از نظر بگردانیم.

در بودجه سال ۱۳۶۲ جمهوری اسلامی، درآمد نفت ۱۶۵۰ میلیارد ریال برآورده شده بود. در ده ماه نخست این سال، تولید نفت جمهوری اسلامی، روزانه به تقریب، ۲/۱ میلیون بشکه بود که ۷۲۰ هزار بشکه از آن به پالایشگاه های داخلی و ۱۵۰ هزار بشکه آن به پالایشگاه های خارجی فرستاده می شد تا پس از تصفیه، به صورت نفت سیاه و نفت گاز برای مصرف داخلی به کشورهای زکردد. در نتیجه، تنها حدود یک میلیون و سیصد هزار بشکه در روز برای صدور آماده بود. با محاسبه هر بشکه ۲۵ دلار که معمولاً به دست جمهوری اسلامی نمی رسید، زیرا تقریباً نصف نفت ما دراتی با پای معامله می شد، درآمد حاصل از فروش نفت در ده ماه اول سال جاری به ده میلیارد دلار، یعنی هزماه یک میلیارد دلار بالغ می شد.

به گفته مقام های رژیم، به ویژه میرحسین موسوی، نخست وزیران، از اوایل بهمن ماه جاری، تولید نفتی جمهوری اسلامی، نصف شده است و اگر میزان صادرات را که به حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته است، به قیمت بیست دلار در هر بشکه محاسبه کنیم، درآمد نفتی جمهوری اسلامی در دوماهه آخر سال جاری به کمتر از پانصد میلیون دلار بالغ می شود. این چنین مجموع درآمد نفتی جمهوری اسلامی در سال ۶۴، رقم ده میلیارد و پانصد هزار دلار را نشان می دهد. بنا بر این، رقم درآمد واقعی نفتی رژیم در مقایسه، کمتر از ۶۰ درصد رقم پیش بینی شده در بودجه سال ۶۴ است (رقم پیش بینی شده در بودجه ۱۶۵۰ میلیارد ریال، معادل ۱۷/۲ میلیارد دلار با نرخ تبدیل ۹۵ ریال برابر هر دلار بود).

در این جا یادآوری می کنیم که میرحسین موسوی که تولید نفت جمهوری اسلامی را روشی برای مقابله با شکست قیمت وانمود کرده است، اما حقیقت آن است که بمباران تلمبه خانه کوره و در نتیجه، تعطیل بست های بارگیری با پانه خاکرک، علت اصلی این کاهش تولید است. میرحسین موسوی دروغ بزرگ می گوید تا یک حقیقت تلخ را پنهان کند.

دور نمای صدور نفت جمهوری اسلامی در سال آینده، از این تیره تر است. در بودجه سال ۱۳۶۵ درآمد حاصل از صدور نفت ۱۶۰۰ میلیارد ریال پیش بینی شده است، اما بدیهی ست با آنچه بر سر قیمت نفت آمده است و خواهد آمد و با لطمه های که از جنگ برآید، سیما ت نفتی به ویژه پالایشگاه و تلمبه خانه کوره وارد آمده است، آمیدی به بهبود وضع صدور نفت رژیم در آینده قابل پیش بینی، نیست.

در شرایط کنونی، رژیم، سخت با مشکل ارزی دست به گریبان است. ذخایر ارزی که به عنوان راز جنگی تلقی می شود و در نتیجه، رسماً "میزان آن اعلام نمی گردد، نباید چنان چشم گیر باشد. با محاسبه درآمد ها و هزینه های ارزی چند سال گذشته و میزان ذخایر در آغاز سال ۶۴، سبب جمهوری اسلامی، از نظر کارشناسان، رقم این ذخایر نمی تواند بیش از چهار میلیارد دلار اعم از ارز و طلا و سهام باشد.

در این میان، هزینه ارزی جنگ در حدود ۳۰ درصد کل درآمد ارزی کشور است و دوم دیگر آن به مصرف واردات فرآورده های غذایی و دارویی و مواد خام برای کارخانه ها می رسد. اکنون بینیم در سال ۱۳۶۵ که درآمد ارزی تقریباً به یک چهارم درآمد سال جاری کاهش خواهد یافت، رژیم چه خواهد کرد؟ رژیم این امکان ها را در برابر دارد:

۱ - نهایت تلاش را در ترمیم امکان های صادراتی به عمل آورد و بگوید با استفاده از جزیره لاوان و اختصاصاً از لوله های که به صورت موقت نصب خواهد کرد، میزان صادرات را در حد کنونی (حداکثر ۴۰۰ هزار بشکه در روز) نگه دارد.

۲ - از ذخایر ارزی خود در موارد بسیار ضروری استفاده به عمل آورد.

۳ - از میزان ورود کالا هایی که در سال جاری روندی معادل یک میلیارد دلار بقیه در صفحه ۱۰

تولید نفت ایران

کاهش شدید

بقیه از صفحه ۱

صدور نفت ایران از خاکرک در امیرنشینهای جنوبی خلیج فارس نگرانی زیاد فرا هم کرده است. زیرا آن ها بیم دارند که حکومت اسلامی ایران به یک اقدام تلافی جویانه علیه آن ها دست بزند. با آدا مه بحران بهای نفت که مشکلات مالی فراوانی برای حکومت اسلامی ایران فراهم کرده، دولت شهروان فرستاده دیگری به کشورهای عضو ویک اعزام داشت تا شاید بتوان موضوع واحدی در برابر این بحران اتخاذ کرد. این فرستاده آقای جواد لاریجانی معاون وزارت خارجه می باشد که قرار است از لیبی، الجزایر، ونزوئلا و مکزیک دیدن کند و نقطه نظرهای حکومت اسلامی را در مورد مسئله نفت تشریح نماید. آقای جواد لاریجانی که در وزارت خارجه مسئول امور بازرگانی

وبین المللی می باشد پیام هایسی از جانب حجت الاسلام خامنه‌ای به سران کشورهای نامبرده تسلیم خواهد کرد. حکومت اسلامی روز چهارشنبه گذشته آقای حسین کاظم پور اردبیلی معاون وزارت نفت را برای ماه موریت مشایقی به عربستان سعودی و امارات متحده عربی اعزام داشت. آقای کاظم پور اردبیلی در پایان دیدار از امارات متحده و پیش از عزیمت به خبرنگاران گفت: موضع عربستان در سرنوشت بهای نفت و آینده او یک بسیار مؤثر خواهد بود. زیرا سعودی ها بزرگترین تولیدکننده نفت در او یک هستند. وی گفت ایران از هفتاد پیش صادرات نفت خود را به نصف تقلیل داده و آن را به ۸۵۰ هزار بشکه در روز محدود ساخته است. وی گفت این اقدام ایران موجب بهای نفت در بازار جهانی بشکستی ۵۰ سنت تا ۱ دلار افزایش یابد. وی گفت کاهش بهای نفت به حدی است که کشورهای عضو ویک حتی اگر نفت بیشتری بفروشند باز هم درآمد کمتری خواهند داشت. در تهران حجت الاسلام اما می کاشانی در سمت امام جمعه موقت با تاخت در خطبه امروز خود سقوط بهای نفت را یک توطئه آمریکایی توصیف کرد. از جمله گفت: این توطئه نمی توانست در سرنوشت جنگ تا شیری بگذارد. رادپور اسرائیل - ۳۱ ژانویه ۱۹۸۶

احمد میرفندرسکی در گفتگویی با رادیو ایران

حکومت ملی حافظ منافع وطن

بقیه از صفحه ۱

یکی از نخستین هدفهای سیاست خارجی دولت ملی ایران، پایان دادن به جنگ با عراق است. در این مورد باید بگویم که روابط ایران و عراق در آینده بر پایه قرار داد ۱۹۷۵ استوار خواهد بود.

دولت ملی ایران به هیچ وجه از گروه بندهایی سیاسی منطقه‌ای جدا نوع شرقی و چه از نوع غربی، بستگی نخواهد داشت و بر اساس احترام متقابل دست همکاری به کلیه کشورهای جهان خواهد داد.

دولت ملی ایران، منحصر " حافظ منافع و مصالح حقه و مشروع خویش است و مسئولیت و مسأله حفظ و تأمین منافع هیچ یک از کشورهای جهان را در منطقه نمی پذیرد و برای استقرار و حفظ امنیت در این ناحیه، حساس جهان و تمامین آزادی کشیرانی در خلیج فارس، بر اساس کلیه موازین بین المللی و ترتیبات موجود با تمام کشورهای ساحلی این آبراه همکاری و تشریح مساعی می کند. هیچ دلیلی ندارد که مالیات دهنده ایرانی، مالیات بدهد تا کشورهای اروپایی غربی نفت خلیج فارس را مفت و مجانی به کشورهای خود وارد کنند. ایران برای هیچ کس بلوط آرزو نشود و نخواهد آورد. دولت ملی ایران چشم طمع به سرزمین هیچ یک از همسایگان خود ندارد و به هیچ عنوان اجازه نمی دهد هیچ کشوری به حریم کشور و تمامیت ارضی ایران تخطی کند و حکومت ایران بر کوچک ترین قطعه‌ای از خاک کشور مورد تردید یا دعوی قرار گیرد. دولت ملی ایران بنا بر ترتیباتی بدون قید و شرط از منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر که مفادی آن در قانون اساسی تصریح خواهد شد و از ادبیات اساسی و کلیه مصوبات بین المللی که هدف آن ها اعتلای مقام انسانی، تحکیم موازین صلح و امنیت بین المللی و بهبود زندگی مردم در دنیا می فارغ از تعصب، هراس و خونریزی می باشد، در هر اقدامی که موجب تقویت خواستهای مشروع مللی یا آثاری را می گویند، اهتمام خواهد ورزد.

آنچه مسلم است، پیشرفت و تعالی ایران در گروی صلح است و صلح این مدعا را تجارب تلخ سالیان اخیره اشیا می رساند و احتیاجی به شرح توضیفات مجدد نیست. با این بیت تا سرود انای ایرانی، رودکی عرایض را به پایمان می رسانم:

هر که نامخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد زهیچ آموزگار

مسئولیت می کند و ضمن دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی خود، طرفدار جدی حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی است. ما باید به جهان ثابت ثابت کرد که مردم ایران با الهام از فرهنگ اصیل خود، هدایتی جز تعالی انمان و شرافت انسانی ندارند. و برای تمام اقشار بشری، بدون توجه به نژاد، رنگ پوست، مذهب یا مشرب سیاسی و عقیدتی، احترام می یکسان قائلند و فضیلت انسانی را، تنها ملاک امتیاز افراد و شاخص قرار میدهند. باید به جهان تفهیم سو که ایران از هنگام تکوین فرهنگاری بین المللی چه در جامعه ملل و چه در سازمان ملل متحد، در پیشبرد توسعه روابط بین المللی به سهم خود اشتراک مساعی داشته است.

حکومت ملی آینده منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را از ادبیات اساسی را محترم می شمارد و به مصوبات مربوط به حقوق و مقام زن، حمایت از کودکان و سایر تصمیمات بشردوستانه وفادار است. زنان را به دیده زرخیز نمی نگرد و زندگی کودکان را بی رحمانه، فدای اجرای سیاست های توسعه طلبانه و غیر انسانی خود نمی سازد.

سؤال - آقای میرفندرسکی، میدانیم که رژیم خودکامه و خدایران جمهوری اسلامی یا طرح و شعار ما میگویند و غیره و واقعیتهای، نه غرضی و منتهی توسعه طلبی، صدور انقلاب و دخالت در امور سایر کشورها و زیربنا نهادن قوانین و مقررات بین المللی، ایران را در موضع تأسفیر انگیزی از انزوی سیاسی قرار داده است. توضیح بفرمائید نسبت مقام و امت ملی ایران با توجه به این شرایط، دیدگاه های ترین خود را برای امروز و فردای ایران، بهنگام برپایی دولت موقت ملی چگونه تعیین می کند؟

جواب - تردیدی نیست که سیاست خارجی دولت ملی ایران در آینده، ارتباط بسیار نزدیکی با برنامه پیشنهادی دولت دکتر شاپور بختیار درسی و هفت روز زمانداری او خواهد داشت. سیاست خارجی دولت ملی، بر اصولی که ذیل " به عرض می رسانم، مبتنی خواهد بود. که در اینجا تنها به اشاراتی اکتفا می کنم:

دولت ملی ایران روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را با کلیه کشورهای جهان بخصوص کشورهای همسایه، بر اساس اصول حسن همجواری، احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و همچنین رعایت دقیق اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، تحکیم و توسعه خواهد داد.

مادق هدایت داستان طنز آمیزی نوشته است بنام کاروان اسلام. داستان عبارتست از ماجراهای ستمگرانه گروهی آخوندک که برای ترویج اسلام به بلاد فرنگ میروند و سواکی های بسیار می آورند که آبروی اسلام را برپا می دهد و عاقبت هم خودشان از نفس باغ وحش سرد می آورند. همانطور که داستان های تخیلی " زول ورن" با پیشرفت حیرت انگیز صنعت و علم در قرن بیستم تحقق یافت مقدر این بود که داستان تخیلی مرحوم هدایت نیز در اواخر قرن بیستم به برکت انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت آخوندی واقعیت پیدا کند.

این روزها هنوز مطبوعات جهان از رسوایی های سقراطیستایی حجت الاسلام و المسلمین سیدعلی خامنه ای کفت وگویی کنند، سفری که عیناً محتدهای داستان هدایت را بخاطر می آورد.

حجت الاسلام خامنه ای به آفریقا رفته بود که بقول مطبوعات آخوندزده تهران چهره انقلاب اسلامی را به ملت های انقلابی آفریقای سیاه بشناساند. الحق بهتر از این نمی شد چهره واقعی حکومت آخوندی را به دیگران نشان داد. اگر آخوندها به هوس مسافرت های رسمی و سورج را بی در اینطرف و آنطرف جهان دهانه میزدند هر چه ما می خواستیم به دنیا بفهمانیم ایران دچار چه بلایه ای شده است و این ها که برای ایران تسلط یافته اند کیستند و تفکرشان چیست، دستم ملت های انقلابی جهان سوم باورش نمی شد.

گروهی از کارکنان دستگاه اداری و تبلیغاتی دوران گذشته که بعد از انقلاب برای ادامه شان خوردن در خدمت رژیم فعلی در آمده اند، چون دنیای امروز را نمی شناسند و دانند ملت های عالم، مخصوصاً ملت های که تازه از زیر بار سردگی نجات یافته اند تا چه درجه نسبت به مسائل انسانی تا شریذینوند، این چندساله زحمت ها کشیده اند تا در خارج از ایران چهره معمولی آخوندها و حکومت آنها را که دهند. زحمت ها کشیده اند تا وانمود کنند این حکومت یک حکومت انقلابی است. مستبد نیست. مستر جمع

کاروان حجت الاسلام

مشکل

ممکن است حکومت آخوندها ادعا کند که حجت الاسلام خامنه ای به تکلیف شرعی خود عمل کرده است چنانکه نقض حقوق بشر را هم در ایران به شرع و مسائلی شرعی ربط می دهند.

ما نمی خواهیم وارد این بحث شویم که اسلام درباره زن و بوشن زن و حدود روابط زن و مرد چه می گوید و آیا حکمی در اسلام داریم که یک آخوند پنجا هویچندساله را از دست دادن بسا یک زن سیاه پوست همن سال خودش منع کرده باشد یا نه. درباره زن و مقام زن و حقوق زن، عقاید ما عقاید آخوندهای شرعی از آسمان فاصله خاسته ای و خصیصی زمین تا آسمان فاصله دارد و هر بخشی درین مورد بیجامل است. اما یک نکته را، با اینکه فقیه و مشرع نیستیم بطور قطع و یقین می دانیم. احکام اسلام راجع به کفر و کفار و بریج و قاطع و غیر قابل تفسیر است. اسلام به مسلمانان مطلقاً اجازه همصیبتی با کفار و مشرکین نمی دهد. کسی که خدا را منکر شود یا شریکی برای خداوند قائل باشد از نظر اسلام خودش مباح و دفعی واجب است. چطور است که حکومت آیت الله ها با کشورهای مسیحی کمونیستی که فلسفه فکری و سیاسی آن ها بر نفی وجود خدا و بندگی انسانیت قرار داده ای دوستی و همکاری امضاء می کنند و هم شکل شرعی پیش نمی آید؟ چطور است حجت الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و حتی به گره شمالی دعوت میشود زن و بچه اش را از همراهی می برد که سیاحتی بکنند و سوری بچراغند؟ چطور است در ژاپن با مردانی که خدا بیگانه هستند می پرسند و در چین با کسانی که اصلاً "خدا" نمی شناسند و شستن و برخواستن و همکلام شدن و همکاسه شدن و قرار دادن آنها کردن متا بریا اصول شرع نیست فقط دست دادن با زن سیاه پوست شستن و چندساله اشکال شرعی دارد؟

خانم های وزیر در تانزانیای اعلام کردند که هیچ اشتیاقی به روی بردن حجت الاسلام ندارند و نه در مراسم استقبال شرکت خواهند کرد و نه در ضیافت های رسمی. اما در زیمبابوه، دولت زیمبابوه چنین راه حلی نرفت. از نظر رهبران زیمبابوه دفاع از سنت های سیاسی و اجتماعی و حیثیت زنهایشان مهمترین اخذ است. آنها به یک مسئله مرتجع بود. آن ها قرض و محکم ایستادند و گفتند ما آقای خامنه ای را بعنوان یک رئیس کشور پذیرا نمی کنیم نه یک حکومت. ایشان اگر بعنوان میهمان به کشور ما می آید باید به شاعر ما، به عقاید ما، به رسوم ما و به زن های ما احترام بگذارد. ما به آقای خامنه ای تکلیف نمی کنیم که با زنهای ما برقصد ولی نه برای خاطر اولیا سراجبباری بر زنهایمان میپوشانیم و نه حق شرکت در مراسم را از آنها سلب می کنیم. نتیجه این شد که آقای رئیس جمهوری و هیأت هفتاد نفری همراهان او در فرودگاه "هراره" نسبت به خانم ها رفتار بی ادبانه نشان دادند و به بیانه حضور خانم رئیس جمهوری و وزرای زن از شرکت در ضیافت رسمی خودداری کردند. خبرنگارهایی بین المللی گزارش دادند که حجت الاسلام خامنه ای قصد داشت سفر خود را در زیمبابوه قطع کند و بازگردد زیرا حضور خانم ها را در مراسم رسمی توهین نسبت به خود تلقی میکرده است. در حالیکه فقیه درست بگویی اینست. رفتار رئیس جمهوری و رژیم خمینی، توهین بوده است به دولت زیمبابوه، به ملت زیمبابوه و به حیثیت و شئون زنان دنیا.

نیست. دشمن تحول و پیشرفت نیست و آنچه درین موارد گفته میشود تبلیغات ضد انقلاب است. وسائل رسوایی هرچا عتی را خدا به دست خودشان فرامی کند. با بد خدا پس گردن آخوند خرمی شکم پرور سورجران بزند که بیای خود شراه بیفتند و پرورد چهره واقعی خود را به مردم عالم نشان بدهد. در غالب کشورهای آفریقایی زن ها تصدی مقامات عالی سیاسی و قضائی سرعده دارت. این زن ها، از آن خانم های عروسی نیستند. زناتی هستند که مویشان را در میبازارن سیاسی و اجتماعی سید کرده اند. زناتی هستند که مثل شیر در سراپا استعمارگران جنگیده اند، زندان رفته اند، شکنجه شده اند و هر کجا مدرک خودشان را یک قهرمان ملی محسوب میشوند. هیچ کس فکر نمی کرد یک نفر که بعنوان میهمان رسمی به خانه آن ها میسرود و تا سلامتی نباشد یک کشور و یک فرهنگ و یک تمدن بشمار می آید حضور چنین زناتی را در مراسم رسمی توهین تلقی کنند و از دست دادن با حرف زدن با آن ها بپرهیزد. این دسته کلی است که فقط یک آخوند میبایست به آن بدهد. در کابینه تانزانیای س خاتم عضویت دارند که دوش از آنها مسیحی اند. وقتی برنا مداخلت قبول و پذیرا می شود از آقای خامنه ای از طرف دولت تانزانیای به تهران ارسال شد دولت جمهوری اسلامی پیغام فرستاد که این خانم ها اگر میخواهند در استقبال از خامنه ای شرکت کنند باید پوشش اسلامی داشته باشند و از دست دادن با رئیس جمهوری نیز خودداری کنند.

فروغ رحمانی

حجاب مظهر خفقان

هرگاه صحبت از مسئله زن در ایران خمینی زده می شود، در ذهن بسیاری از ما تنها مشکل حجاب مطرح می گردد و فقط موضوع را از این جهت مورد بررسی قرار می دهیم. بطور کلی وسائل ارتشباط جنسی در خارج از ایران نیز متعکس کننده کنجکوی و حیثیت زدگی غربی ها در سر خوردن ملایان حاکم بسا مسئله حجاب است. چگونه می توان انسانی را در پارچه سیاهی پوشانید و از حق انتخاب لباس دلخواه محروم کرد؟

اگر این برداشت بیگانگان از مسئله حجاب بهر حال قابل قبول باشد، ما نمی توانیم با مسئله ای که می رود به فاجعهای عظیم میل گردد و نیکی از ملت ما را به انزوای کامل بکشاند، برخوردی چنین سطحی داشته باشیم زیرا بخوبی می دانیم که در حال حاضر به توجیه بی شرایط و تبعیضات و زندقگی طاقت فرسای زنان ایران در داخل ملک، به سر داشتن جنده متری پارچه سیاه کمترین درد زن ایرانی است. این هرگز به معنای قبول و پذیرفتن ظاهر شدن زن در جامعه در کفن سیاه و مضسک نیست. بلکه منظور توجه اصولی به سایر معانی است که بر زن ایرانی روا داشته اند که مسئله حجاب در تخیال آن ها نا چیز و بی اهمیت جلوه می کند. نکته حساس دقیقاً در همین جا است و ما وظیفه داریم با هشاری کامل به طرح و بررسی مسائل اساسی ترقی گسترده ملت ایران و بختی و بختی بودن زنان تدارک دیده میباید بگردانیم. چرا که حجاب که به دست حزب الله بر سر زنان ایران فرو رفته می آید، در حقیقت وسیله ای است برای ایجاد محیط خفقان و ترور تا حکومت آخوندی در بنساخته آن بتواند با اجرای بنیادهای خدا پرستی خود بپردازد. نشان دادن تعصب و سخت گیری های بیسازج در این زمینه به منزله، اخطاری است به ملت ایران که توجه کافی داشته باشند و توجی برای

جندت را رموی زن که از زیر پوشش اسلامی بیرون زده می باشد این همه قضاوت و بی رمی و توهین و تحقیر و سب و توهین می دارند، پس دیگر هیچ کس حتی خیال مقاومت در مقابل این رژیم در سر نمیبرد. بخاطر بیاد و ریم سخنان ممشوکننده آن نماینده با صلاح مجلس شورای اسلامی را که در سال ۱۳۵۸ اظهار داشته بود: "... برای اینکه مسئله حجاب در جامعه پذیرفته شود، دهها زن را در چهار گوشه ایران اعدام کنید تا دیگر کسی جرأت مقابله با این اصل اسلامی را نداشته باشد..."

البته بیود، رجای بی پایه پس از این سخنان نیز به عقده متعصب برادر پاسداری در آنکه شیفته این همه شور و شوق اسلامی این صیغه شده بود و از آن زمان به بعد با فروکش کردن هیجانات متعلقه با پاسدار، دیگر سخنان از آن سرده شنیده نشده است. ولی حکومت همچنان هدف اولیه را دنبال مینماید و هرگاه به خیال قدرت نمایی و بهیهانه بی حیایی و با بد حجابی ارادل و او با بی حزب الیگی را بسا خیابان ها می کشند در حقیقت به دوم منظور مردم - دوم درگیر کردن هر چه بیشتر در این موضوع تا با سرگرم کردن جامعه با مسائلی غیر رسمی و دور کردن ذهن آنان از مشکلات اساسی، برنامه ای مصیبت بار و فوایدی نداشته خود را با شدت بیشتری به اجرا در آورند. تا این ترصیب یا پرله و انداختن این گونه نمایشات ساختگی، مقادمت ملت ایران را اعم از زن و مرد درهم شکنند. البته نباید فراموش کرد که همواره و حیثیت ترین و موهن ترین حملات در این موارد متوجه زنان بوده است، زیرا بیسر ترتیب شده باید آنان بطور کلی از اجتماع رانده شده، در چهار دیواری خانه محبوس و تحت نظر قرار بگیرند. این هدف نهایی

زنان در حکومت جمهوری اسلامی آغاز می کنیم یعنی از حیاتی ترین مسئله ای که آخوندهای حاکم مزورانه مشغول ایجاد انواع و اقسام سد ممانع در راه آن هستند تا آزادانه تحصیل زنان جلوگیری به عمل آورند. آخرین تصمیم ننگین آن ها بهترین شاه مدعی است:

در فروردین ماه سال ۱۳۶۴ لایحه اعزام دانشجویان به خارج از کشور و اعزام مادر ۳ و تیسر و ۱ اندر رابطه با اعزام دانشجویان زن به خارج از کشور بود که نهایتاً به ترتیب زیر به تصویب رسید:

ماده ۳: اعزام دانشجویان پسر که دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند در نظر گرفتن ظرفیت دانشگاه های کشور و امکانات ارزی ورشته های مورد نیاز و کمالاً ضروری صورت خواهد گرفت. وزارت، هر سال یک بار این مسوارد را تعیین خواهد کرد. در شرایط مساوی اولویت با لیسانس های متا هسل می باشد.

تبصره ۱ - زنان لیسانس و بالاتر با توجه به سایر روابط مندرج در این قانون تنها در صورتی که ازدواج کرده باشند و در معیت همسر خویش می توانند با و طلب اعزام شوند. برای اینکه به ما هیت فکری تدارک دهندگان قوانین ظالمانه ای از این قبیل پی ببریم، به قسمتی از مذاکرات با صلاح نمایندگان مجلس کذا می پیرا مون ای لایحه شماره می کنیم:

... اما مسئله، مسئله اعزام پسر خارج است. محیط خارج واقعاً یک محیطی است که غرق در فساد است. عزیزان در بعضی دانشگاه های خارجی دختر خانم های آنجا در محیط دانشگاهی آفتاب می گیرند، آن هم با همه خصوصیاتش. در این جا است که دختر هر قدر هم متدین باشد، در معرض تعرض قرار می گیرد. و یاد در خوابگاهها، باید در آنجا، تک و تنها بدون اینکه هیچ کس سرپرستی او را داشته باشد، بسک خوابگاهی، استراحت گاه باشد. از تبصره در صفحه ۷

گفتگو با یک مجاهد درباره مانور نظامی

مراد در این عکس بجای آورد؟

بخصوص که اگر به عکس دقیق نوبد می‌توانید حدس بزنید که مثلا "درست کردن دندانها کلمه (س) مسعود" زیاد ساده نبود. چرا که درست قرار گرفتن رزمندگان باعث می‌شد که دندانها ما بین "مسعود" و سین و عین "مسعود" بهم بچسبند و دندانها معلوم نشود. بالاخره سبب از دست رفتن این عمل انجام گرفت و همانطور که در عکس مشاهده می‌کنید با جا بجا شدن دونه‌نفران "رزمندگان" دندانها زیر حروف درست شد.

و دیگر آنکه در گزارش "مانور نظامی" آمده است "۳۰۴۰م سانتیمتری سازمان مجاهدين بر سلاحهای رزمندگان مجاهد (که قبلا عرض کردم) در برجسته‌ترین نادن تما ویرکمیگ زیاد شده است."

اینکه قدر آرم مجاهدين در برجسته نشان دادن تما ویرکمیگ کرده است مسئله‌ای بود که هم قبل از انجام برنامه و هم بعد از آن بسیار مورد

گزارش که در بر سر می‌خوانید کوتاه شده گفتگویی است که با یکی از هواداران سازمان مجاهدين خلق دربارین داشته‌ام. از دگرگونی این جوان که در نهایت صمیمیت نقطه نظرهایش را در باره "مانور نظامی" مجاهدين در خاک عراق برای شرح داده است خودداری می‌کنم تا می‌آید مورد غم و انتقاد مجویی "سازمان" قرار گیرد.

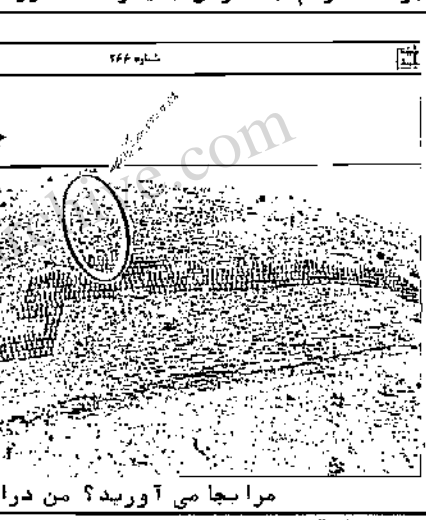
۰۴-۳

مراد در این عکس بجای آورد؟ محال است که مراد در این عکس بجای آورد. باز شناختن چهره یک آدم در میان حدود شصت نفر که در شب یک تپه‌ای خاک‌کی چنان کنار هم قرار داده شده‌اند که از نام آن‌ها از فاصله یک کیلومتری، کلمات "مسعود مریم" خوانده شود، تقریباً امری محال است.

باز شناختن مراد در این عکس زمانی برای شما ممکن خواهد شد که قبلا با چه صورتی آشنا بوده باشید که تازه در عکس موجود حتی شکل مراد هم جدا از دیگران تشخیص نمی‌دهید چه برسد به اینکه صورت مراد را ببینید و این هم بکنار، من کسی نیستم که کسی با چهره‌ام از قبل آشنا باشد. من حتی در این عکس یک نقطه هم نیستم. دونه‌نفران مریم در این عکس از ۵۳ نفر که کنار هم ایستاده‌اند تشکیل شده است. ولی برای اینکه بدانید که این تعداد از مریدان ایستاده‌ام صریحا "اعلام می‌کنم که برخلاف تصور شما من در جمع عده‌ای که در بخش نقطه" پای "مریم ایستاده‌اند، تا ایستاده‌ام.

دقیق بگویم من، درست در گوشه سمت راست "عین" مسعود ایستاده‌ام و همانطور که در نشریه مجاهد شماره ۲۶۶ (عکس و تفصیلات) تحت عنوان "مانور نظامی قوای مجاهد خلق" جلوه‌ای از توان رزمی و گسترده نیروهای مجاهدين خلق ایران آمده است - من آنجا ایستاده‌ام که "آرم سرخ قیام تک تک افراد در اهتزاز است" اما متاسفانه آرم مجاهد در عکس خوب معلوم نیست ولی حقیقت دارد. همانطور که در نشریه مجاهد آمده است "این سومین قسمت مانور (بود) که در شب تپه‌ای بلند که مشرف به پایکوه آموزش می‌باشد، انجام شد. این مطلب صحیح است، منتهی مانور نظامی نبود. صف جمع و عکسبرداری بود. در جمله‌ای دیگر آمده است که ما "با آرایش ویژه‌ای صفوف خود و نیز... با انجام حرکات و گرفتن حالات نظامی (..)" تما ویرکمیگ را لبی درست "می‌کنیم. قسمت اول جمله درست نیست ولی قسمت دوم جمله که تما ویرکمیگ درست می‌کنیم صحت دارد.

چرا که با تمام روزوری شب تپه‌نشسته بودیم و گاهی توسط سرجوخه‌ها دستور می‌آمد که با سیستم و همانجا ما را جا بجا می‌کردند و پس از آن از طریق "تاکتیکی" دستور می‌رسید که نه، باید ما اینطور یا آنطور قرار بگیریم تا بالاخره همانطور که در نشریه شماره ۲۶۶ آمده است "نام جسته" "رجوی" توسط رزمندگان باز شود.



مراد بجای آورد؟ من در این دایره در (ع) مسعود قرار دارم

بخت قرار گرفت. ولی این موضوع که رزمندگان مجاهد ... با انجام حرکات و گرفتن حالات نظامی (..) موج‌های انگیزنده‌ای ایجاد کرده‌اند. هم درست است و هم درست نیست. به این ترتیب که دستور داده شد هنگام فیلمبرداری به جلو و عقب‌خیم شویم. حال این حرکات چقدر موج‌های انگیزنده‌ای ایجاد کرده است، نمی‌دانم. چون خود ما نمی‌توانستیم ناظر برای ما بگیرند ما باشیم. در عکس هم که نمی‌شود آنرا دید و چون هنوز ویدیو مانسور نظامی را ندیده‌ام نمی‌توانم قضاوت کنم.

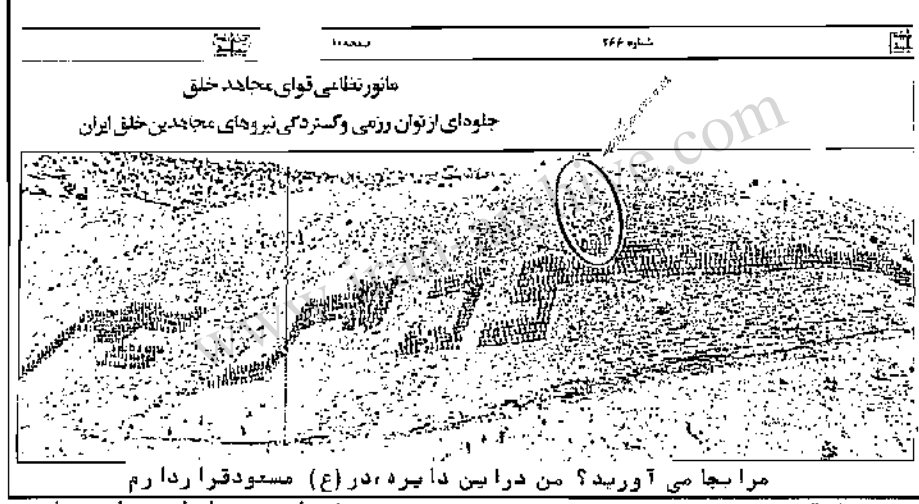
روزنامه مجاهد آمده می‌دهد که "کلمه "مسعود-مریم" (۰۰) بر روی تپه تصویر می‌شود و همراه تصویر، شعارهای پرطنین "مسعود مریم، مریم مسعود" فضای کوهستان را آکنده می‌کنند. این قسمت گزارش نیز درست است چون گفته شده که فیلم همرا صدا برداری است و تا می‌توانیم داد بزنیم که طنپ-من داشته باشد.

البته گزارش سعی کرده است به قسمت سوم مانور طوری برخورد کند که گویی عملیات ساده‌ای انجام گرفته است. این مانورها دونه روزترین شد، و جای جاس شدن رزمندگان روی تپه‌ها است.

بطول انجام مید. فکری کنید بدون ایمان به مسعود و مریم ایستادن زیر آفتاب، آن هم تمام روز بخصوص که آدم از اروپایی خنک و سرد آمده باشد، ساده است؟ چنین فعلیتی فقط با صبر انقلابی و شجاعت و شجاعتی که فقط در میان رزمندگان مجاهد موجود است، ممکن و انجام پذیر است. وگرنه چرا جوانان دیگری را در این کارها قرار نمی‌کنند؟

روز دوم "مانور نظامی" همانطور بیگار زیر آفتاب ایستاده بودیم و کاری نداشتم انجام بدهیم چند نفر که از فرانسه نیامده بودند به مزه این بحث را آغاز کردند که آیا سالان در ایران هستیم یا خیر؟ توسط مسئولان به سرعت جلوی این بحث گرفته شد چرا که گفته شد این سؤال امنیتی است و نباید در میان افراد طرح شود. من که همیشه سکوت می‌کنم، آنچه را که شنیده‌ام به خودم نشانیدم.

روز سوم همانطور که کنار هم ردیف روی تپه نشسته بودیم کسی در کنار من بیج و بیخ کنان اسرار داشت که ما یعنی رزمندگان مجاهد پس از آنطور نظامی از طریق مرز وارد کردستان ایران شده با آرایشی کاملاً نظامی به طرف تهران حرکت می‌کنیم. بعد از اینکه این بیج و بیخ زیاد شد، ما را به صف کردند و به جای مصطفي که عکس "مسعود مریم" جلوی آن نصب شده بود



مانور نظامی قوای مجاهد خلق

برندند. فرمانده عملیات برادر مجاهد ابراهیم ذاکری چیزهایی گفت ما نند "مسائل خطی و استراتژیکی"، "خط غیر واقع بینانه آزاد سازی شهرها از طریق منطقه" و لزوم حفظ نیروی واحدی رزمی پیاده در مانور حاضر در کنار واحدهای پیشمرگانه‌ی مجاهد خلق که از آن نمیشد زیاد چیزی فهمید. و بالاخره در آخر صحبت گفت: بودن ما در اینجا اصلا "ربطی به مبارزه برای سرنگونی ندارد چرا که سرنگونی خمینی از طریق قیام ملحقانه مردمی در شهرها و بخصوص در تهران انجام میشود.

به این ترتیب خیال همه آسوده شد و شبهه حرکت رزمی ما بطرف کردستان ایران و سپس تهران از زمین رفت.

می پرسید چرا خجالت نمی‌کنم، از چه خجالت بکنم، از اینکه مثل مورچه در این عکس ردیف شده‌ایم و در کلمه "مسعود-مریم" حتی نقطه هم نیستیم خجالت بکنم؟

شما آنجا نبودید یعنی دانید. مثل ایستگاه آدم خود را به دریا زده باشد. احساس این که آدم درد کلمه "مسعود-مریم" حل بشود احساس دلچسپی است. ماهی که در آن زمان "مسعود -

دا نشکده‌های علمی دختران بوده‌اند. بعنوان نمونه شاگرد اول دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۶۳ دختر جوان و فوق العاده با استعدادی است که بدین ترتیب حق ادامه تحصیل را از او سلب کرده‌اند. بدین معنا که یک پزشک زن ایرانی با داشتن حداقل ۲۵ سال سن تنها وقتی صلاحیت ادامه تحصیل و گذراندن دوران تخصصی را در خارج از ایران دارا خواهد بود که در معیشت مردی به عنوان همسر باشد و این در حالی است که ملکیت شدت دچار کمبود است. پزشک است و بطور کلی بعزت فقدان اشخاص متخصص در زمینه‌های مختلف با مشکلات اساسی روبروست.

بدنیال این تصمیم شایعه جلوگیری از خروج زنان مجرد نیز قوت گرفته است.

مریم" بودیم. لحظه‌ای که ما روی تپه‌ها در زیر آفتاب داد می‌زدیم: "مسعود-مریم، مریم مسعود" هم یکبار چه بودیم، هیچکدام بدنتها نمی‌وجودند داشتیم.

می‌گویند چرا من از اینکه ذره‌ای از کوه عین مسعود را تشکیل می‌دهم احساس غرور می‌کنم، برای اینکه من خارج از آن تصویر هستم؟ هیچ.

در اینجا، در این عکس لااقل وجود دارم شول می‌کنم معلوم نیست ولی خودم می‌دانم که هشتم همین کافی است.

واژه مهمتر من در آنجا جذب شده‌ام حاصل شده‌ام و مجبور نیستم به تنهایی مسئول عالم و عاقبت و گرفتاری‌ها باشم. من کسی نیستم. مثل شعرهایی است که در مورد "مسعود-مریم" گفته شده، آدم آنرا نمی‌فهمد مثل کلمات الهی ولی جذب، آن آدم را از خود بیخود می‌کند. در این حال آدم دیگر خودش نیست، باقیه جوش می‌خورد. آنها هم دیگر آدم نیستند شما آنجا نبوده‌اید و نمی‌دانید. بیست بار کلمه "مسعود-مریم" را پشت سر هم تکرار کنید و چنان خود را بسته به صدای که در درون شما شنیدن می‌اندازد توجه کنید. هیچ احساسی شیرین تر از آن تابحال به شما دست نداده است.

رزه نظامی - لباس یک شکل رزمندگان مجاهد، همه‌و همه در بدست دادن آن احساس موثر بودند. برای اینکه این احساس را امتحان کنید بیست بار یا بیشتر کلمه "مسعود مریم، مریم مسعود" را تکرار کنید و بعد نتیجه‌اش را خودتان می‌فهمید.

یک چیز را می‌دانم این دفعه کلمه "مسعود-مریم" را فقط با حدود شصت بیگانه‌ایزاد روی تپه بارز کردیم. اکثر روزی انشاء الله بعد از سرنگونی خمینی دجال، همین برنا ما را با شتر میلیون نفر اجرا کنیم (یعنی می‌گویند شتر میلیون نفر در ایران حاضر خواهد شد چند روزی وقتتان را صرف این کار بکنید). آنوقت ببینید چه عظمتی پیدا میکند. من حساب کرده‌ام، فقط دونه‌نفر پای مریم آن که حالا باید ۵۳ نفر انجام شده در آن زمان تا ۵۳ هزار نفر شکل خواهد گرفت. یعنی فقط دونه‌نفر "پای" مریم ما وی خواهد بود پس جمعیت شهر نجف آید.

من از اینکه در این عکس هستم خجالت نمی‌کنم برعکس افتخار می‌کنم که سر آغاز چنین جنبش حماسه سازی قرار گرفته‌ام. تصور آن روزی را بکنید که بجای شصت نفر شتر میلیون نفر در کویری با جای مافی با قرار گرفتن کنار یکدیگر اسم "مسعود-مریم" را بیان نمایند. در آن روز نه تنها برای من بلکه برای هیچ کس دیگری مقدور نخواهد بود که حتی بگوید در کجایی عکس قرار گرفته‌است.

ویش از پیش موجبات هراس و نگرانی دختران و زنان ایرانی را فراهم نموده است که روز بروز خطه را برگردان خود شنگ ترا حاس می‌کنند.

دستا برینان حاکم در خمینی که به وسعت ایران تدارک دیده‌اند، گمانی که بیش از همه از شنیدن خشم و تمصب و جهالتست دهنه‌می بینند. زنان ایران زمین هستند. در طی ۷ سال حکومت دستا برینان ریشه‌های حیات زندگی اجتماعی زنان ایران مورد هجوم حرکات مودی قرار گرفته است که شامل تلاش خود را در راه خشک شدن آن و قطع جوانهای این نسل با روبرو کردن آنها خسته‌اند. طی این مدت زنان ایران از هر طبقه و در هر دره اجتماعی بشدت سرکوب شده و با خشونت از جای رانده شده‌اند. اگر ما ملت ایران اسم از زن و مرد، دست در دست یکدیگر هر چه زودتر طومار این بی وطنان اسپران ستیز را در نیچیم، افکار ریلید و اعمال اهرمنانه آنان جا مده ایران را بکلی مسموم خواهد ساخت. مباد که حتی لحظه‌ای در این جنگ مقدس بی‌تواری آزاد سازی سرزمینمان درنگ کنیم.

تلفن خبری

همیشه در تهران
 تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۰۰
 شماره تلفن: ۳۲۰۰۰۰
 شماره فکس: ۳۲۰۰۰۰

حجاب مظهر خفقان

بقیه از صفحه ۵

شهری به شهر دیگر با بد مسافرت بکنند و چون ممکن است در معرض تعرض بیشتر قرار بگیرد، جنبه آسیب پذیریش زیادتر است.

بوحدی ساجی:
 ... این مسئله‌ای که شما برای دانشگاه‌های خارج و محیط خارج ذکر کردید که خانم‌ها و دختران آنها آفتاب می‌گیرند، خیلی خوب، برای کس آفتاب می‌گیرند؟ برای همین جوانان و

نامه‌ها و نوشته‌ها

حاجت‌آباد با نام بانگسای اربابان...
جوانان در عین غم و اندوه...
نظر و عقاید و احساسات...
بویسندگان با همه...
با آرزوی سوده‌کلی و سحرنا...
سوسه‌های جوانان لروما...
موانع و هم‌راهی ارکان مرکزی...
مناوبت ملی ایران با مفا...
با مفا...
با زانایان...
و سمرقند و سون آرادا...

ساده و مفهوم بنویسید

با عرض سلام همانطور که همگی میدانیم دیده‌ایم وقتی و وقتی با مدتی...
قابل فهم و درک عام است سخن میگوید...
مجلسش گیرا و شنونده‌گانش روز بروز زیادتر...
میشوند که نمونه‌های بسیار می‌شوند...
از آن جمله مرحوم واعظ معروف طبیبی...
(قبل از سال ۱۳۲۰ شمسی در تبریز)...
با اندازه ۲۰ سانتی‌متر در یک ورقه...
سخن می‌گفت که خاضع به رجس...
دنبالش از مجلسی به مجلس دیگر میرفتند...
تا از سخنانش در مجلس بعدی هم بهره‌مند...
شوند لذت ببرند. کتاب فقیر شخصاً...
و ناظر آن بوده‌ام اعلام به منبر رفتن...
طبیبی در مجلس ختم یا سایر مجالس...
موجب رونق مجلس و زحمات مردم در...
مجلس میشد قطعی است که این قبیل...
گویندگان تفوق روانی خاصی بر مردم...
حاصل مینمایند. فلسفی و اعظم فعلی هم...
ساده‌گوئی و بزبان عامه سخن گفتن...
با عفت شهرت و معروفیت او شد.

دفاع از افتخارات

اسلینگن ، هفتم ژانویه ۸۶

با عرض سلام پس از خواندن مقاله...
" چرا اسلامی " در شماره ۱۳۱ مورخ...
۸۵/۱۲/۷۶، بر حسب تصادف به موزه...
هنرهای مردمی شتونگارت یعنی موزه...
لیندن رقتم و با وضعی شیبه به آنچه...
در مقاله مذکور توصیف شده بود برخورد...
کردم. فردای آنروز، یعنی روز گذشته...
تا برای آقای دکتر کالتس...
مدیر بخش خاور زمین و آفریقایی...
موزه، مذکور، به فرانسه نوشتم...
در این نامه استفاده فراوانی از...
مطالب موجود در مقاله " چرا اسلامی...
کردم و به این سبب یک فتوکپی از...
آن نامه را به پیوست خدمت خان‌ها و...
آقایان می‌فرستم که تا از میزان...
بهره‌برداری مستقیم و غیر مستقیم...
از آن مقاله آگاه باشند. چون در این...
شهر مده‌ها زبانی آلمان (اسلینگن)...
(اسلینگن) هیچ وسیله تحقیقی...
در مورد ایران موجود نیست و کتابخانه...
شهر آنچنان مجهز نیست که با سخنگوی...
نیازها می‌توان دست یافت به اظهارات...
بنده بیشتر جنبه کلی دارد و از سوی...
دیگر من اصلاً در ادبیات و هنر کشورمان...
وارد نیستیم و همه این سطور به پیروی...
از هیجان احساسات مینویسم و نوشته...
شده است از این رو تا قاتی کتبی...
نویسنده نبودن بنده (یعنی ناشی گری...
در فن نویسندگی)، عمیق نبودن علمی...
نامه، به فرانسه بودن آن و ناشناس...
بودن جنبه زبانی آن (که به فرانسه...
سلیبم، مثل فرانسه آقا یان و خان‌ها...
که در پاریس هستید، نوشته نشده است)...
و خلاصه رسا نبودن این نامه را مورد...
گذشت قرار دهند.

کژدار و مرزیز

سلام، بدینوسیله یک نسخه از متن...
نامه‌ای را که روزنامه " لوموند پاریس...
ارسال داشته‌ام جهت اطلاع شما به پیوست...
تقدیم میدارم و لازم به توضیح میباشد...
انگیزه نوشتن چنین نامه‌ای یک...
لوموند تصمیم اخیره دولت تا چرخ...
جهت مقابله با تروریسم میباشد و...
معتقدم تا زمانی که این دولت با...
رژیم فاسد فعلی ایران لاس میزند...
هیچگونه موفقیتی در زمینه مقابله...
با تروریسم نخواهد داشت مگر آنکه در...
روش خود از نظریات و اقتصادی یا...
آخوندهای فاسد تحصیل از لنین...
تجدیدنظر کامل نماید و به شیوه کشورهای...
حاشیه، خلیج فارس دیکته نکند که با...
سرمداران غاصب تهران کژدار و مرزیز...
بیازند.

ارادتمند
علی‌داد - بروکسل

مه‌فشان نور

زمانی که زبان منق از تکلم باز...
بماند، اسلحه به‌مدامی آید...
این است روش دادا مه‌فشان رژیم‌های...
فاشیستی، ولی روح اله خمینی حتی...
پانزدهمین گداخته و تریجیح می‌دهد...
که طرفدارانش خموش ولی سلاح سرگوش...
غران باشد و چون وطن پرستی امری...
محکوم زدیگانه حکومت ظلم و وحشت...
است با ترور فرزندان پاک سرشت وطن...
به زندگی موقت و لذت با خود دادا مه...
می‌دهد، ملایان حاکم با ترور سرهنگ...
شهیدهای عزیز مرادی و جنت خود را...
بیشتر نمایان ساختند، ولی بدانند که...
هر وطن پرست هدفی جز آزادی خون خود...
برای مردم در بند و وطن خود ندارد و...
با این اقدامات کوربینانه حرکتی را...
که از زمان مرحوم مصدق شروع شده و...
هنوز در جریان است، به هیچ وجه...
نمی‌توان متوقف کرد. به قول مولانا:
مه‌فشان نور و عوگوند
هر کسی بر طینت خود می‌تند

نوشت: محمد رضا

سنا خود را منحل نکرد

در پیام ایران ۲۶ دیماه ۱۳۶۴، آقای...
هوشنگ محمود در مقاله " نگاه دیگری...
بر آن سی و هفت روز... و آنچه گفت...
" نه " (۰۰۰) به تحقیق همه نهاد های روز...
پیداخته است. آقای محمود می‌نویسد:
" همانک ترین وحیرت انگیزترین...
واکنش را نهاد های شان دادند که...
رسالت شان حفظ موجودیت است کشور،...
سایاری در برابر امتحان و هرج و مرج...
رویا رویی با قانون سکمی بود. و قبیل...
از همه نهادها از مجلسین نام می‌برد...
ومی گوید: " مجلس خود را منحل...
کردند. (۰۰۰)

من با مجلس شورای ملی که فقط عده‌ای...
استعداد دندوان به معنی انحلال...
نیست کاری ندارم، اما چون روز شنبه...
۲۱ بهمن ۵۷ یعنی روز ما قبل سقوط...
وطن در ردیف نمایان مجلس سنا بودم...
نمی‌توانم بر پرده پریشانی غلبی...
بزرگی سکوت کنم...
روشنه ۲۱ بهمن جلسه سنا را پیتر و...
پرشور بود. آقای دکتر بختیار...
با اعضای محدود دولت در جلسه حضور...
داشت. بحث درباره حوادث روزهای...
یافته بود. لایحه انحلال سنا و...
تغییب وزیران مطرح بود. (۰۰۰)
سنا، برای زمینه‌سازی جهت دفاع از...
استقلال وطن و تقویت دولت...
مصلحت را در تصویب لایحه دانست و...
به وظیفه و رسالت خود عمل کرد.

توجه به رویدادها

با سلام به رهبر نهضت مقاومت ملی...
ایران دکتر شایسته پور بختیار و شورای...
نویسندگان قیام ایران میدارم که...
در پی کار که در رسیدن دارید موفق...
باشید و روز بروز قدم های تازه و...
نوینی در راه رسیدن به آرزوی ما...
ایرانیان در اوقات فراغت و اوقات...
در وطن بردارید و بدانید که ایرانیان...
وطن پرست در همه حال پشتیبان شما...
می‌باشند زیرا که راه شما راه سعادت...
و آزادی ملت ایران است. می‌خواستم...
در مورد اتحاد جدید به شما تبریک عرض...
کنم و نظر خود را در مورد نشریه جدید...
عرض نمایم. این نشریه ملی بسیار...
عالی است از همه لحاظ فقط از لحاظ...
این جانب شما بهتر است که اخبار...
ایران را مضمون ترودر صفحه‌ای مستقل...
درج نماید شما باید از تجربه گذشته...
درس های خوبی گرفته باشید در زمینه...
اتحاد اگر در فزایان رویتا کمی زمین...
می‌خورد بی بی بی، با تفصیل...
آن را بزرگ می‌کرد و ملت هم که یک...
جوش آمده بود هر مزخرفی را قبول...
در کپها و اطلاعات مهم ترین خبر...
مربوط به این گونه‌ها دت بود مردم...
هماینگونه اخبار را با دقت بیشتر...
مطالعه می‌کردند و در آن به دهستان...
می‌گشت و این آتش بیشتری به مردم

ارادتمند افشار

بدین ترتیب سنا نه تنها خود را منحل...
نکرده بود، بلکه دولت را ضمن هشدار...
تقویت و پشتیبانی می‌کرد. حتی یک...
شرف از سنا تورها استعفا داد. اگر...
جلالی تا ثانی به یکی از خبرنگاران...
گفت استعفا می‌دهم، حتی او هم هرگز...
استعفا داد.
حال، اگر گردانندگان روزنامه قیام...
ایران، هم‌بمانند آقای هوشنگ...
محمود، دچار هیجان عصبی و احساسی...
نیستند، اگر بر اساس کاردان...
می‌اندیشند، این نوشته را برای...
چیران یک اشتباه بزرگ تاریخی که...
آقای محمود در ارتکاب آن بی پروا...
بوده‌اند چاپ نخواهند کرد...

عاطفه نقابی

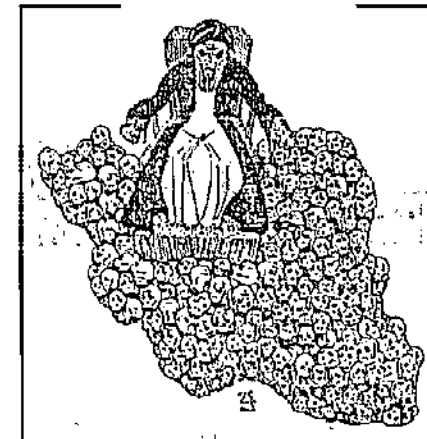
وطن منتظر ما است

با سلام گرم به رهبر عزیز، دکتر شایسته...
بختیار که همچو چراغی روشن گشته...
راه ما است آغاز ششمین سال فعالیت...
آن نشریه ارزشمند را که چکیده زحمات...
شبان روزی همکاران نویسنده و دیگر...
دستان در کاران میباشد از مصمم قلب...
تبریک گفته و آرزوی سلامتی و موفقیت...
سرشار و روزی افزون برای همه همزمان...
عزیز می‌نمایم.
با تشکر فراوان و وصول نشریه قیام ایران...
را که دسترس شما را از عزیز و...
زحمات بسیار شما شماره ۱۳۵ اعلام...
میدارم.
با امید روزی که همه ما چون قطره‌ها به هم...
پیوسته و با رهبری پرچمدار عزیز دکتر...
بختیار ما نند سبلی خروشان بحرکت...
آمده و رژیم خونخوار خونخوری را از بیخ و...
بن برکنده و حاکمیت ملی را بر سر زمین...
پاک ایران برقرار سازیم.
رژیم خمینی میبیرد ولی ایران هرگز...
نخواهد مرد.

حسن بالغ کلام

ابلیس بی تبار

شورای کرامی نویسندگان " تمام ایران...
بن، عوامی هم همداد با دوا حساس...
همسای اراده‌ها " تمام ایران " و...
بای بند سندی لوری اره نمودن های...
" بنده نقاب ملی به رهبری دکتر...
ما سور بختیار برای رحای ک...
آهورا نامان ار حنگال اهریسان دسار...
بسر و سوکران سدیاد و آدمکر. می‌بیز...
حون دیگر هم سیمان در برود مال و...
نم است که سنا از سوت دوا حساسان...
ناچار به جالی خانه گداخته خود سد...
در اسحا برهنگانه بدون اندسندن به...
ایران دلیندم کاری را به یاسان...
براسادم. اینک با خوارسندن سالگرد...
سه روزی وسای گورمان بدست...
اشیسی بی بی وسای و خون آسم به...
همراه این نامه نگاره‌ای که همواره...
بارکی و کابوس همدساله است و چون...
آن را گشودم برای آن سرتاجان...
می‌ترسم تا اگر سندی آمد بسور...
حاجان را در کرامی نامه " تمام ایران...
دهد. با سگس هم بحر سارگوچکی...
از دهنگاری خود را با نام سنسین...
سردا حنه نام.



آریا

آخرین حملات قلمی حزب توده به دکتر مصدق و جبهه ملی در فاصله بین ۱۹ و ۳۰ تیر ۱۳۳۱ رخ داد. در آن مدت چند واقعه تاریخی روی داد: انتخاب مجدد دکتر مصدق به نخست وزیری متعاقب استعفای او در نتیجه تشکیل مجلس هفتم، استعفای او به علت اختلاف با شاه، رای تأیید مجلسین چندمورد مصدق چه در مورد قوام، انتخاب قوام به نخست وزیری، بروز غشائات علیه حکومت قوام، استعفای قوام و برگشت دکتر مصدق. حزب توده این رقت و آمدن نخست وزیران را چیزی جز یک "کلاه کلاه" فذملی نمی دانست. میندرجات روزنامه نوید آینده بجای بسوی آینده که قسمتی از آن را نقل می کنیم نظریات حزب توده را در آخرین روزهای فدییت با جبهه ملی بیان می کند: "حکومت فذملی مصدق در دوران حکومت مفتضح خود همه جاز از دردمندی با مردم درآمده". در فاصله بیست و دو روزی تأیید... مصدق قدم به قدم از مردم دور شده و در جهت منافع طبقات حاکمه و امپریالیست گام برداشته است". شماره ۲۳ تیر روزنامه مزبور دکتر مصدق را به "محمدعلی میرزای مستبد" تشبیه می کند و از "اسناد زنده جنایات و فجایع حکومت فذملی مصدق" سخن می گوید. روز بعد نیز زنجیر می نویسد: "پس از یک سال و چند ماه اشتباه کاری... امروز هم کار او آمیخته با هوچیگری و جنجال است". با زروزیب از آن می گوید: "از نظر خارجی نیز دکتر مصدق متکی به یک امپریالیسم جهان خواه ریبین المللی است" و در شماره ۲۶ اضافه می کند که: "اعمال فذملی که از این حکومت چهارده ماه سرزده است خطر آن بر مردم آشکار خواهد بود". با لایحه روزنامه دز بجای بسوی آینده در مقاله شماره ۲۷ تیر ضمن بحث درباره "زد و خورد جناحین هیئت حاکمه ایران" می نویسد: "پس از چهارده ماه یک بار دیگر این حقیقت با کمال وضوح به نبوت رسیده است که هیچ یک از جناحین و شخصیت های هیئت حاکمه ایران دوست ملت و هوادار منافع او نیستند. این ها همه دشمن ملت و منافع ما شین بهره کشی هیئت حاکمه ایرانند".

بحران انتقال حکومت از مصدق به قوام و بالاخره به مصدق در تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۳۳۱ نقطه عطفی در تحول روابط حزب توده با جبهه ملی بود. به این معنی که فدییتی که تا آن تاریخ حزب توده نسبت به حکومت دکتر مصدق نشان می داد ترک شد و علائمی از بردباری متقابل و حتی همکاری حزب توده با دولت آشکار گشت که تا تاریخ سقوط دکتر مصدق دوام یافت. این مسئله چون تمییراتی را در روابط با عوامل مؤسسه در برانداختن حکومت دکتر مصدق در پی دارد در بخش دیگر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

فواد روحانی

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

تحریکات حزب توده علیه مصدق

کرده بود که کنسول انگلیس در گزارشی که به لندن فرستاد گفت، حزب توده می تواند در اصفهان همان گونه قدرت کامل بدست آورد که دموکرات ها در تبریز بدست آورده اند. (۵)

بلافاصله بعد از پایان جنگ حزب توده شروع به فعالیت در خوزستان نمود. شعبه هایی در متاسطی نفتخیز تاسیس و اتحادیه ای به نام اتحادیه کارگران خوزستان به عنوان شعبه شهرستانی شورای متحده ایجاد کرد. طبق گزارشی کنسول انگلیس در خرمشهر حزب توده میتینگ عظیمی روز اول مه ۱۹۴۶ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۵) برای برگزاری مراسم روز عید کارگر تشکیل داد که ضمن آن کارگران مطالباتشان را از مورد دستمزد، مسکن، تسهیل ساعات کار و غیره عنوان کردند و یک زن گفت انگلیسی ها بیشتر برای خوراک سگ خرج می کنند تا برای مزد کارگر و ما باید شرکت نفت را از انگلیسی ها بگیریم. (۶) در همان روز اول مه ۱۹۴۶ حزب توده در تهران نیز با تشکیل جمعیت انبوه بی سابقه ای قدرت نما می کرد.

در ابتدای سال ۱۳۲۵ که جنگ پایان یافته بود و نیروهای اشغالی می بایست ایران را تخلیه کنند و واضح بود که حزب توده از موقعیتی که بدست آورده بود برای کسب قدرت استفاده خواهد کرد. محافل سیاسی غرب بخصوص انگلستان، هر یک از نظر منافع خود، به آینده ایران می اندیشیدند. در نیمه اول سال چند هیئت برای تحقیق درباره وضع حزب توده در ایران آمده. دوفروردین دوشنر از اعضای پارلمان انگلیس، یکی از حزب محافظه کار به نام انتونسی هدر Anthony Head و یکی از حزب کارگر به نام مایکل فوت Michael Foot.

بدر ایران آمدند و روز ۱۷ فروردین با سران حزب در تهران معا صبه کردند. پشت سر سئوالاتی که طسرح می کردند قصدشان معلوم بود: می خواستند بدانند وضع حزب توده نسبت به شوروی و قانون اساسی و مراسم از لحاظ نوع اقداماتی که در نظر داشت بخصوص در رابطه با مسئله خود مختاری استان ها چیست. شرح مختصری درباره مذاکرات آن جلسه در خاطرات دکتر انورخامی (۷) گفته شده است. یک عبارت جالب از آن را که مستند به شماره ۱۸ فروردین ۱۳۲۵ روزنامه رهبر است نقل می کنیم: "پرسیدند آیا عقیده دارید خود ملت ایران می تواند نفت خود را استخراج و بهره برداری کند یا باید این کار را به خارجی ها واگذار کرد. دکتر کیا توری جواب داد، ایران فعلاً قادر به استخراج و فروش نفت خود نیست و به کمک خارجی نیازمند است. لیکن ما با دادن امتیاز به شوروی موافق و به امپریالیست ها مخالفیم. افراد نامبرده دربار زنگنه کشور را با موقعیت حزب توده را آنطور که درک کرده بودند درجاری شد دادند. از جمله مایکل فوت در مقاله ای نوشت: "حزب توده تنها حزب متشکل ایران و مهمترین و بزرگترین نیرو در سیاست کنونی ایران است. هر چند کمونیست بودن خود را انکار می کند ولی روزنامه های هر چه را که درجاری شوروی نوشته شود موبه مو منعکس می کنند. شدیداً ضد انگلیس و بدون تردید طرفدار روس ها است".

چند روز بعد از برگزاری مراسم اول مه در آبادان (۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۵) بخشی از کارگران پالایشگاه با مطالبه افزایش دستمزد و تسهیل ساعات کار اعتصاب کردند و پس از یک هفته به خواسته هایشان دست یافتند. در این موقع دولت هیئتی به ریاست بیات وزیر دارایی و معاونت دکتر پیرنیا رئیس اداره امتیازات برای تحقیق وضع کارگران به آبادان فرستاد. نتیجه، تسهیل ساعات کار و افزایش کارکنان شرکت حق می داد زیرا معلوم گردید که شرکت هر چند مواجه با اشکالاتی بود ولی توجه لازم به تاسیس مین رفاه کارگران در حدود امکان ننموده بود. هنگامی که هیئت در شرف بازگشت به تهران بود اعتصاب دیگری رخ داد. در تاریخ ۲۴ اردیبهشت همه کارگران آغا چاری به تعداد ۵۰۰ نفر با مطالباتی نظیر آن چه کارگران نساجی اصفهان بدست آورده بودند (افزایش دستمزد، پرداخت دستمزد روز جمعه و پرداخت فوق العاده) اضافه کار) به اضافه توزیع آب آشامیدنی و یخ و پرداخت

فوق العاده خارج از مرکز اعتصاب کردند. با اینکه بیات شکایات آن ها را موجه می دانست و به شرکت تومیه کرد که با خواسته های آنان موافقت کند ولی شرکت موضوع را به تعلل می گذراند تا سه هفته بعد که حزب توده تهدید به اعتصاب عمومی کرد و هزاران کارگر در اصفهان بعنوان پشتیبانی از کارگران آغا چاری میتینگ عظیمی تشکیل دادند. بلاخره شرکت در اوایل خرداد اعتصاب را ساکت کرد. یعنی خواسته های کارگران را پذیرفت و حقوق ایام اعتصاب را نیز پرداخت بطوری که کنسول انگلیس در خرمشهر به سفیر گزارشی داد مقامات شرکت چاره ای جز مذاکره با کارگران ندا شدند چون حزب توده ۷۵ درصد کارگران نفت را وارد اتحادیه خود نموده و بیس آن ها نفوذی پیدا کرده بود که مقاومت در برابر آن سودی نداشت.

در اوایل خرداد کارکنان پمپ بنزین در تهران به تعداد ۱۵۰۰ نفر بعنوان اعتراض به اخراج ۳۰ نفر به علت ناقصی اعتبار کردند. اما بلافاصله کمیسوی مرکب از نمایندگان دولت و اتحادیه کارگران و شرکت تشکیل شد و اقدام به رفع اختلاف نمود و اعتصاب با افزایش دستمزد کارگران از روزی ۲۰ ریال به ۲۵ ریال و پرداخت فوق العاده اضافه کار و برگرداندن کارکنان اخراج شده به کار پایان یافت. ولی کمی بعد روزنامه رهبر ارکان حزب توده نوشت که شرکت به شرایط پایان اعتصاب عمل ننموده بلکه ۸۰ نفر را اخراج کرده و به تقاضای تشکیل هیئت حل اختلاف طبق قانون کسار واقعی نگذاشته است.

در ماه خرداد بعد از اعتصاب آغا چاری، یک کمیسیون پارلمانی دیگر از لندن به آبادان آمد. مرکب از دو نماینده حزب کارگری و یک نماینده حزب محافظه کار. این هیئت در مراجعت به لندن درباره مشاهدات خود اظهاراتی نمود که اساس آن جا تباداری از شرکت کرد که: "من با کمال صمیمیت نظرم را به این شرح اظهار می کنم که شرکت در سازمان خود کارمندان آزمویده و جا معد شناسی نداشت که با کمک آن ها بتواند در وضعی که ناگهان پیش آمده بود چنانکه باید عمل کند" (۸).

با اینکه شرکت در ضمن مذاکره برای رفع اعتصاب ها چندبار اظهار کرده بود که مقررات قانون کسار را اجرا خواهد کرد، ولی در اوایل تیرماه معلوم گردید که هنوز بعضی از شرایط آن از جمله پرداخت دستمزد روز جمعه را اجرا ننموده بود. در تاریخ ۱۹ تیر کمیسوی بر طبق قانون کار برای تعیین حداقل دستمزد در سراسر کشور برقرار شد و سه هفته کارفرمایان از جمله شرکت نفت ابلاغ گردید که از مذاکره با طرف های خود در موضوع دستمزد خودداری کنند. اما در آن موقع کنسول و رابط کارگر و کارفرما برای دولت مشکل شده بود. از مدتی قبل نشریات حزب توده تبلیغات گسترده ای علیه شرکت نفت در مورد طرز عمل نسبت به کارگران شروع کرده بود. به این مضمون که شرکت در دستمزد و ساعات و شرایط کار و رابطه با اتحادیه کارگران قانون کار را رعایت نمی کند، افرادی را به عمل سیاسی از کار برکنار می کند، وسایل کافی بهداشت و مسکن برای کارگران فراهم نمی سازد و ایران را با فقط در دست های درجات پائین به کار می گذارد. موضوع دیگری که در این تبلیغات عنوان شده بود این بود که ما موران شرکت و افسران بازنشسته انگلیسی مشغول توطئه با عناصر و اقلیت عرب هستند. اتفاقاً در آن ایام جنبشی بین شیوخ غرب در خوزستان آغاز شده بود که آن را نتیجه تباثی بین کنسول انگلیس و استانداری خوزستان می دانستند. از جمله یکی از رهبران سابق حزب توده می گوید: مخالفان حزب توده و فرقه دموکرات آذربایجان عناصر مخالف آن ها را در همه جا متشکل نمود تا در هنگام لزوم برای سرکوبی توده ای ها و دموکرات ها آماده باشند. بدین منظور دو روزی از مقامی از اوقات ما فیروز به پیشووری تلگرافی به نام انجمن ایالتی خوزستان که معلوم نبود کیست و چگونه تشکیل گردیده است به قوام مخابره و تقاضا کردند عین اختیارات آذربایجان به این انجمن داده شود. بعد با پشتیبانی ترات Trotter کنسول ژنرال انگلیس و مصباح فاضلی استاندار خوزستان اتحادیه عناصر خوزستان به وسیله چندتن از شیوخ عرب و چند نفر منطقه کار تشکیل گردید و مزه جدا ساختن عربستان، یعنی نواحی نفتخیز جنوب ایران و عراق آن به عراق را برداشتند. (۹) حزب توده جنبش و انمود می کرد که عمل دولت انگلیس و شرکت نفت کوشت می کنند بین ایرانی ها و اقلیت عرب خوزستان دشمنی زد و خورد ایجاد کند تا به این وسیله بهای برای مداخله نظامی بدست آورند. نویسنده انگلیسی کتاب نفت ایران (۱۰) می گوید: بدون تصدیق تمام این مطلب، ظاهر امر اینست که قطعاً ما موران شرکت ناخرمندان فعلی های عرب را در منطقه تشویق کرده بودند. در ماه ژوئن یک اتحادیه سایر خوزستان به ریاست بعضی شیوخ عرب تشکیل شد و صحبت های مهمی از خود مختاری خوزستان پیش آمد و اعلامیه های آتشینی ما در شد. ترتیباً تی نبرد نظر گرفته شد که یک باشگاه در آبادان افتتاح شود و تاریخ افتتاح آن روز ۱۴ ژوئیه (۲۳ تیر) که اتفاقاً روز جمعی شد! معنی گردید.

دولت در دولت

اما نفع ها و کوسر های سرک و ما موران سمارت انگلیس و استانداری خوزستان هر چه بود نمی توانست از عقبه در صفحه ۱۱

مصاحبه راديو ايران با ساهرخ وزيری: دولت بختيار بيانگر آزاده ملي

بقیه از صفحه ۳

بطور کل در ایران بوجود آمد. یکی مشروطه خواهی که به مرور زمان خواهان گسترش دست آوردهای جنبش مشروطیت بودند و دیگری مستبدین و پادشاهان که در مخالفت با مشروطه با همدیگر هم عقیده بودند. مشروطه خواهان که مبارزان اصلی آن ها شامل ملیون مترقی میشد و شماري از روحانیون نیز در میان آن ها بودند، در مبارزات خود برای حفظ دستاوردهای مشروطیت و بضموم قانون اساسی مشروطیت مراحل افتخار آمیزی را گذراندند که از آن جمله است مرحله ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق.

از سوی دیگر مشروطه خواهان همان کسانی هستند که در پیاده کردن افکار شیخ فضل الله نوری و کاشانی می کوشیدند که رهبری امروز آن ها با خمینی است. آن ها بنام مذهب با مشروطیت و قانون اساسی مبارزه می کردند. در عین حال مستبدین دیگری تحت عنوان پادشاهی مطلق با قانون اساسی مبارزه می کردند و آن را زیر پا گذاشته بودند. بزرگترین دستاورد قیام ۵۷ تسلیم رژیم در برابر خواستهای تاریخ ملت ایران برای استقرار حکومت قانون بود که دولت بختيار را در برگیرنده و بیابانگر این پیروزی بحساب می آید. اما مشروطه خواهان و کسانی که تسلیم فکری خمینی شده بودند به کوشش تاریخی برای حفظ خودکامی و تدایم آن خدمت کردند. حرکت بختيار ربا شعار احیای قانون اساسی و بازگشت به قانون در مقابل حرکت با شعار رجوع به قانون اساسی و رجوع به ولایت فقیه ادامه هم

جریاناتی هستند که از آغاز مشروطیت تا به امروز همواره در مقابل هم قرار داشته اند.

بختيار با قبول نخست وزیری، برچشم مقناومت را برافراشت یعنی مقناومت در برابر کسانیکه به شورش علیه قانون اساسی و حکومت قانون دست زده بودند. در واقع میتوان حکومت بختيار را چنین تعریف کرد: مقناومت در برابر مشروطیت و دلبانی و مشروطه خواهان بخاطر حفظ آزادیهای مشروعیت و استقرار حکومت قانون.

سؤال: آقای دکتر بختيار همواره بر شعار "حرمت به قانون را بزرگترین خطت خود قرار دهیم" تأکید کرده اند. نهضت مقناومت ملی هم برای این مسأله با فشاری می کند. علت این تأکید و با فشاری را چگونه توجیه می کنید؟
جواب: حاکمیت ملی و دمکراسی بخودی خود بدون محافظت مستمر نمی تواند با پیدار شدن دشمنان و تهدیدها در برابر دشمنان خود مقاومت کند. وجود قوا نیینی است که متضمن آزادیهای فردی و اجتماعیه می باشد که در واقع زیربنای دیمکراسی است. اجرای دقیق قوانین فرصت را برای ایجاد دورشده دشمنان می بخشد.

از دیمکراسی و حاکمیت ملی فقط تحت حمایت قوانین دیمکراسی می شود. پاسداری کرد. هرگونه تلاش دیگری از قبیل برقراری شوراها یا رنگارنگ و یا رژیم های طبقاتی در عمل با عتق نابودی دیمکراسی میشود. به این دلیل نهضت مقناومت ملی ایران بخش عمده ای از کوشش های ربا به این امر اختصاص داده است که پس از براندازی رژیم خمینی قیام با استقرار حکومت قانون میتواند بداد ملت در راه بدست آوردن آزادی و برقراری حاکمیت ملی، جامه عمل پوشاند.

نشانی شماری از

شاخه های

نهضت مقاومت ملی ایران

- A. H. L. R.
- Postfach 121007
- 8000 DUISBURG 12 (R.F.A.)
- R. F. A.
- R. W. F.
- Postfach 010763 B
- 5400 GÖTTINGEN (R.F.A.)
- NWL-MIRBE BERLIN
- Postfach 114758 A
- 1000 BERLIN 11 (R.F.A.)
- Postfach 0616273
- 8900 AUKSBOURG (R.F.A.)
- P. O. BOX 5727B
- WASHINGTON, D. C., 20057 (U.S.A.)

بقیه در صفحه ۴
در ماه داشته است بگاهد. این کالاهای جنگ افزار و مهمات را نیز در برمی گیرد.
۴ - برای دریافت وام، به موه سه های مالی بین المللی روی آورد.
کمان می رود که تلفیقی از این چهار شیوه، سیاست رژیم را در زمینه تأمین ارز و صرفه جویی ارزی تشکیل خواهد داد. با این همه، هر یک از این چاره ها هم به تنهایی هم مجموعاً، دشواری های بزرگی برای رژیم به بار خواهد آورد.
- اگر رژیم، هزینه جنگ را کاهش دهد، با بدجنگ در جبهه ها را عملاً به نقطه تعطیل بکشاند که این، خود بی آمدهای ناگوار برای آن خواهد داشت.
- اگر روند ورود مواد غذایی و دارویی را کند سازد، کار به قحطی خواهد کشید و تورم و احتکارات خود تحمل نا پذیرا امروز، به مراتب فرا تر خواهد رفت.
- اگر از ورود مواد خام مورد نیاز کارخانه ها بگاهد، تولید داخلی، تصویر سیاه تر از آنچه اکنون در رخاود یافت، که این خود، به کمپانی و نایابی کالاها و کراتی و بیکاری هر چه بیشتری خواهد انجامید.
- ذخایر ارزی نیز به آن اندازه نیست که بیش از چند ماه جبران کمبود را بکند.
- دریافت وام نیز با شعارهای متعارف جمهوری اسلامی نمی خواند و به ویژه منع شرعی برداخت بهره، کار معالسه را آسان نمی سازد.
به هر روی، رژیم، به هر یک از این چاره ها که دست بزند، جزیرنا رضایی های گنونی که خود به خود ششیده است، نخواهد افزود.

سه گزارش کوتاه از راديو ايران

وحشت از مردم

در حالیکه کاهش قیمت نفت، واگذار افتادن بخش عظیمی از تأسیسات استخراج و انتقال و بارگیری نفت، به شدت نگرانی مقامات جمهوری اسلامی را برانگیخته و آن ها از یک بحران فزاینده و خوردکننده اقتصادی بیمناک شده اند، مسئولان و فرماندهان سپاه پاسداران به خیال خام خود، با برقراری شمارش های رزمی در سراسر کشور، یک جنگ روانی علیه مردم را تدارک می بینند.
به مناسبت "دهه فجر" که مردم در مکالمات روزمره از آن بعنوان "دهه جهل" نام می برند افشار رئیس ستاد مرکزی سپاه پاسداران اعلام کرد که سپاه قصد دارد در دهه فجر قدرت مردمی خود را به نمایش گذاشته و در حقیقت حضوراً مت حزب الله را به صورت لشکرهای سازمان یافته تدارک دهد. آنچه رئیس ستاد مرکزی سپاه پاسداران نمایش توان رزمی جمهوری اسلامی در پیشگاه جبهه ها می نامد در واقع شمارش های برای دام زدن به جو ارباب و خفقان است. با توجه به اوضاع وخیم اقتصادی که در انتظار جمهوری اسلامی است، رژیم که احتمال بروز یک شورش گسترده همگانی را در شهرهای بزرگ علیه خود پیش بینی می کند، با کشاندن بخشی از نیروهای از جبهه ها بداخل شهرها و همچنین تجهیز حزب اللینی ها، به مناجاهدت قدرت نمایی و ترساندن مردم بجهان آمده و ارمیدان شده است.
در استان اصفهان، ظاهراً، امام جمعه، استاندار، فرمانداران و بخشداران به همراه مسئول سپاه پاسداران، هفته گذشته گرد آمدند تا با نورسپاه پاسداران رادراستان اصفهان تدارک ببینند. اصفهان پس از تهران یکی از شهرهای است که بدخلاف گذشته، رژیم، از واکنش مردم آن بسیار نگران است. به ویژه آنکه در روستاها و شهرهای این استان هزاران خانواده داقدار که در مدت جنگ فرزندان خود را از دست داده اند، دیگر حاضر نیستند زیر بار برنانه های جوان کشی رژیم بروند.

بر آشتی با زار

مخالفت های ربه گسترش علیه رژیم خمینی در میان با زاریان به ویژه در تهران، رفته رفته به یک خصومت آشکار تبدیل می شود. با زار که یکی از حاکمان اصلی خمینی در به قدرت رسیدنش بود و با بگا به عمده خمینی در گذشته به حساب می آمد، اکنون به یکی از مراکز مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است.
این رویارویی از سوی با زاریان به صورت مخالفت های علنی با برنانه های اقتصادی رژیم و از سوی جمهوری اسلامی بصورت ایجاد محدودیت ها و کنترل های شدید در امور جاری با زار بروز کرده است. اهرم اصلی رژیم در این رویایی، کمیته امور صنایع و ادگا و ویژه امور صنایع است که به بهانه های مختلف میلیون ها تومان از با زاریان اخاذی کرده، همواره آن ها را تحت فشار گذاشته اند. با زارهای عمده به ویژه با زار تهران این روزها بدترین دوران رکود و کساد را می گذرانند و با زاریان علت اصلی این وضع را سیاست های اقتصادی رژیم می دانند.
برخی از بناندهای قدرت در جمهوری اسلامی در مخالفت های خود با با زاریان، حتی با رفا تر گذاشته، خواستار از بین بردن مرکزیت با زار و تخریب معازره های آن شده اند. آتش سوزی های اخیر در با زار تهران که آخرین آن بیست و چهار ساعت ادامه داشت و در جریان آن دهها مغازه فروش و بارچه فروشی و حجره نابود شد، یکی از جلوه های این جنگ اعلام نشده است.
در دو سال گذشته بسیاری از نقاط با زار تهران، رشت و با زارهای شهرهای دیگر دستخوش حریق های ناگهانی و بدون علت شده است. این آتش سوزی ها در نقاط حساس با زار همگی در نتیجه های شب اتفاق افتاده است و هر بار حرجرها و وانبارهای بزرگ و میلیونها تومان کالا را یکجا به خاکستر تبدیل کرده است. با زاریان معتقدند که این حریق ها و همچنین بمب گذاریهای متعدد که در عوامل رژیم جمهوری اسلامی است که به منظور ساقط کردن توان اقتصادی و اعتبار اجتماعی با زاریان صورت می گیرد.

پیروزی نزدیک است

بقیه از صفحه ۲

محافظت آن را در انجام وظیفه ضد مردمی شان سست کرده است. رژیم بعنوان عامل وحامی تروریسم بین المللی انگشت نمایی جهان نیان شده است تا آنجا که در کشورهای بزرگ هم راهی و همگامی و حتی معاملات اقتصادی موه سات به جمهوری اسلامی، مایه لعین و سرزنش و انتقاد تند مردم گردیده و دولت ها برای برائت خود از چنین اتها می به مجازات منخلفین سعی شده اند. از طرفی ورشکستگی اقتصادی نزدیک، میرونده آخرین مذاقاع و مزدوران رژیم را از اطرافش پراکنده سازد.

پیروزی نزدیک است ولی این به معنای تنها براندازی حکومت ضد ایرانی جمهوری اسلامی و شکل گرفتن حکومتی در هرچ و مخرج نیست. ارگان های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نهضت مقناومت ملی ایران، با برنانه های کاملاً مطالبه شده، آماده اند که با اتکاء برون پرستی و ملی گرائی ارتشیان و نیروهای انتظامی و عشار غیرتمند ایران، پس از استقرار امنیت اجتماعی کامل در پناه قانون، با احتراز از انتقال دستوی کور- پس از کوتاه کردن دست عاملین فساد و گشتار حکومت کنونی از سازمان های مملکتی، با یاری و همکامی ماموران صالح دولت و قشرهای فعال جامعه چرخ های و مانده از حرکت کشور را برای بیندازند و ضمن بازسازی خرابی ها، برنانه سپردن مقدرات مردم بدست خودشان را، براساس اصول قانون اساسی مشروطیت، در کوتاه ترین مدت، به مرحله اجرا در آورند.

جنجال وین

با انتشار جزئیات بیشتری در یک هفته نامه چاپ وین رسوائی فروش اسلحه از جانب شرکت اتریشی فوست به رژیم تهران بالا گرفته است. سفارت جمهوری اسلامی در وین ضمن تکذیب این موضوع، اتریش را متهم کرد که بارها بطور مستقیم و غیرمستقیم به اسرا، اسلحه فروخته است.
بدنبال شکایت کارل بلهشا، وزیر کشور اتریش، دادگاه شهرلینز از روز شنبه گذشته در حال تحقیق درباره پرونده فروش ۶۰۰ عراد توپا و توپا و گروه صنعتی فوست به جمهوری اسلامی به ارزش ۱۶ میلیارد شیلینگ است. به گفته کارل بلهشا، قرار بوده است گروه صنعتی "فوست" که بزرگترین گروه صنعتی اتریش است این توپها را از طریق لیبی به جمهوری اسلامی تحویل دهد.
مطابق قوانین اتریش شرکت ها و کارخانه های اسلحه سازی اعم از دولتی و خصوصی، حق فروش جنگ افزار به کشورهای در حال جنگ را ندارند، به همین دلیل، گواهی رسمی خرید از سوی دولت دیگری لازم است تا براساس آن وزارت کشور اتریش، اجازه صدور جنگ افزار را صادر کند.
در این حال هفته نامه باستا چاپ وین، در شماره ۱۳۰۰ خود جزئیات بیشتری از این معامله را فاش کرد و نوشت: سه تن از مدیران شرکت فوست طی سفر خود به تهران در فروردین ماه گذشته زمینه این معامله را فراهم کرده اند. هفته نامه باستا، اعلام کرده است شاهی در اختیار دارد که میتواند بروصحت این مدعا شهادت دهد.
هفته نامه باستا، نخستین بار، ۶ ماه پیش، بدنبال مرگ اسرار آمیز "هربرت آرمی" سفیر اتریش در آن، ماجرای فروش اسلحه را از جانب گروه صنعتی فوست به جمهوری اسلامی فاش کرد. درحالیکه بطور رسمی اعلام شد سفیر اتریش در آن برائت شکرته قلمی در گذشته است. اما هفته نامه باستا، در آن زمان نوشت که آرمی پس از آنکه از معامله اسلحه بین شرکت فوست و جمهوری اسلامی با خبر شد، و آن را به اطلاع دولت اتریش رساند، به قتل رسید.

شکوه تاریخ

دکتر مهیار طایبی

هیچ اندیشیده‌ایم که درین زمانه چه بار سنگینی بر دوش می‌گشیم!

اگر "برجم" یک کشوریکی از نمادهای ملی آن است نمی‌دانیم که چه پرچمی داریم. اگر از ما بخوانند که سرود ملی کشورمان را بخوانیم اگر حافظه ندهد در یک جمع ایرانی هر کدام سروده‌ای را بازمی‌خوانند. زبان "دری" به صورت معجون "دری وری" درآمده است. چغرافضای کشورمان هر روز دستخوش گرفتن و پس گرفتن "جزیره" معجون"ها است. بدبختی بزرگ تر آن که تاریخ کشورمان نیز لوث شده است و فقط سه مدد قلم نویسندگان روسی، انگلیسی و بنگله‌دنیایی امکان خواندن "تاریخ معاصر" ایران وجود دارد.

آیا نباید به قول آن شاعر گفت: "این‌ها ایام عسیر" (همانا روزگار سختی است).

در فواید تاریخ از قول "خواند میر" می‌خوانیم که: "... من ذکر هونیا ربه حکم فاعینروا یا اولی الامصار از آن معنی اعتبار گیرد و متاء دب آموزگار بدان صورت اتعاط باشد (رونه الصفا). ولی گویند "هگل" فیلسوف آلمانی نقد حال ما را می‌گوید که گفت:

"تنباهداری که تاریخ می‌آموزد اینست که کسی به درسی او کس نمی‌دهد. از اهل "تاریخ" است که با زکوک کردن آن بدین معادق است که: "اگر گویم زبان سوزده، نکوم استخوان سوزد". بازگو کردن آن شاید شکستی باشد بر اهل درد و امید که به رفع گله‌بیا نجامد. استادان برجسته‌ای در "تاریخ" و "تقدتاریخ" داریم که بر کرسی تاریخ معاصر تکیه زده‌اند. آن‌ها با قلمی استادانه از "فرعون" و "اسکندر" گرفته تا "خواجہ" تا جدار "بی‌خاصیت برضری" تا شخصیت‌های ریز و درشتی چون "کنجلی خان" و "میرزا مشیرخان کرمانی" خست می‌زنند. با استادی کامل و درخور تحسین این شخصیت‌ها را در قالب کلمات به شکلی زنده و جانگرمی نمایانند. تو گوئی اگر آدمی تنها به کتاب خواندن بپردازد لبه تیز شمشیر اسکندر مقدونی را بر گردن خود حواس (کاذب) می‌کند. گاهی در مورد این شخصیت‌های دور دست آنقدر حاشیه و قافیسه می‌روند که آدمی به قول "اهل روان" دچار

Incoherence

(عارضه روانی از این شاخ به آن شاخ پریدن) میشود (سالاد کلمات) و سر رشته را گم می‌کند.

وقتی به نام زنده‌ای جاوید، "مصدق" که روزگار ما از او تا تیریسیرا زکرفته و آینده ما نیز از او مددخواهد گرفت و بی‌چون و چار تاریخ معاصر ما جانی

والا برای او مایه زایش و آرمایه ناپیش شایسته است می‌رسند، تانته خالی می‌کنند و مرکب قلمشان خشک می‌شود. چرا؟

آیا اینان به "نسیان مصلحتی" دچارند. آیا "فراموشی نزدیک" دارند در عین آنکه "فراموشی دور" ندارند و چگونه می‌توانند راجع به "پریروز" این چنین استادانه و به خود قلم سوگند" می‌جوازانه رقم بزنند و در مورد "دیروز" و "امروز" ساکت بمانند. چرا؟

مورخ نیاز به "درک زمانی" دارد و نباید به تکرار مکررات آنچه دیگران زمانی گفته و یا نوشته‌اند قناعت ورزد. آیا از خود نمی‌پرسند که آینه‌نگاران کجا ایستاده‌اند و با امروز و دیروز گذشته ما کسب اطلاع ننمایند تا عصر را به راهی بهتر بسپارند. تا به کی! زسفره گذشتگان، نعمت برگیریم و برین سفره اگر سفری افزوده میشود از نوسول "سولیوان" آمرینتی، "برایان" لیبینگ انگلیسی و تاریخ ادیبان ما، خود از "ادوارد" "براون" و "ژوکوفسکی" باشد. که چه رسانده هر جا مصلحت اقتضا می‌کند عمل و رونه می‌زنند! تو گوئی بی‌کم می‌کنند! نقد را گذاشته و به تنبیه پرداخته‌اند. تا به کی! باید شش قبر کرد.

ساعت گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نوآر که نوراً اخلاقی است. درگر آما در برابر تاریخ معاصرمان و نقشی مصدق در آن، مصداق آن حکایت "سندی نیستیم در گلستان" که:

"منحیی به خانه در آمد، یکی مرد سگانه دید با زن او به هم نشسته، دستان و سینه گفت، فتنه و آشوب برخاست. ما حیدلی که بر این وقت بودگت: تو براج فلک جهانی هست که ندانی در سربایت کیست!

آن‌ها که از راهروها و دالان‌های چین و ما چین می‌گذرند و به معرنی نسلان دیگشا تور چینی و "شهراسب سنواران" (گاردجاویدان) (راه دوری روند و در اهرام ثلاثه به دنبال قریب فراغنه می‌گردند، چرا از "امروز" و "دیروز" و با لطمع "فردای" خودمان غافلند. فکرمی کنند چه روزمان خواهد آمد. آیا باید چون "شاه سلطان حسین قنوی" به بحث "حلال یا حرام بودن کشمش در فدای یلو" دلخوش گرد و بیگزاریم تا افغان با برهنه و افغانیان بر ما غلبه کنند.

چرا ملتی با آن عظمت با بیدکارش بدینجا بکشد. ملتی که خود اهل تاریخ بهتر از هر کس به عظمت آن آکا هندوما اگر شناختی در این مورد داریم مدیون مورخین گذشته‌ایست که برای همه ما به جا نهاده‌اند. به عبارتی کاشته‌اند و ما

حاضر امنیت پالایشگاه و مناطق نفتخیز و کارمندان انگلیسی همه بسته به حسن نیت و میل حزب توده است. خطری که وابسته، نظامی انگلیس پیش‌بینی می‌کرد روز ۱۹ تیر بروز کرد در آن تاریخ شرکت وعده" برداخت دستمزد روز جمعه را نقض کرد. استانبول در حکومت نظامی اعلان کرد. و فرمانده نظامی آغا جباری رهبران محلی کارگران را که برای مذاکره دعوت کرده بود بازداشت نمود. بر اثر این پیش‌آمدها اعتصابی خود بخود در آغا جباری رخ داد و حزب توده و شوروی متعهد ضمن پشتیبانی از آن به همه کارگران خوزستان دستور دادند که در روز ۲۳ تیر اعتصاب کنند. در نتیجه این دستور در آن روز ۱۲۶۵/۰۰۰ نفر در سراسر خوزستان اعتصاب کردند که ۵۰/۰۰۰ نفر از آن‌ها از کارکنان نفت و بقیه از همه گونه افراد دیگر بودند. از قبیل ما، موران آتش نشانی، ما، موران نظافت شهر، دانش آموزان، کسبه، صنعتگران حتی آشپزها و مستخدمین منازل اروپائی‌ها فقط کسانی که بسته کارهای مربوط به خدمات عمومی مانند آب و برق و کمک‌های بهداشتی اشتغال داشتند بی‌سسه اعتصاب نیبوستند. خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان بشرح زیر بود: تغییر استانبول (مسیح فاطمی)، خلق سلاح عشا پر جنوب، عدم دخالت شرکت نفت در امور داخلی ایران، پرداخت دستمزد روز جمعه، جلوگیری از تشییقات و فشارها، موران نظامی، نا، مین و سایر راه، یعنی مسکن، حمل و نقل، بهداشت و اجسرای مقررات قانون کار.

اینجا باید اضافه نمود که حزب توده در یک قسمت از سکنه خوزستان یعنی اقلیت عرب کمتر نفوذ داشت. کارکنان عرب اغلب مستخدم مقاطعه‌کاران شرکت بودند نه مستخدم مستقیم شرکت و مقاطعه‌کاران

میخوریم و بایده‌کاشته شود تا آیندگان بخورند.

چرا این عالمان تاریخ از زمانه خود و خانه خویش غافلند؟

جوانان ما از قلم کدام مورخی که بر کرسی تاریخ معاصر دانشگاه تکیه زده است باید تاریخ معاصر را بخوانند، تا چپا رجعت اصلی خود را درین زمانه که به قول "افردوسی": "هوا بر خروش و زمین سرجوس" است بشناسند و بپایند.

باز باید صبر کرد تا روس‌ها تاریخ ایران را بنویسند و حضرات در مسابقه "عشوان بخشی" شرکت نمایند تا از آن میان به این افتخار برسند که عنوان "آریا مهر" را بگریزند. آیا کار تاریخ معاصر با همین خلاصه می‌شود؟

چرا از اثر وضعی شخصیتی که "مصدق" می‌ورزید و به مصداق کلام حافظ که: "مصدق کوس که خورشید از ایدار نرفت" غافلند؟

شاید بگوئید تقصیر از ما جوانان است و کتاب درین زمینه زیاد است. ولی کدام یک از آن‌ها که از بودجه "ایمن" ملکات غارت زده حقوق و مستمندی "تاریخ نویسی" و "تاریخ گوئی" می‌گرفته‌اند به این خطر دست زده‌اند. در عین آنکه "حدیث مصدق" و آرمایه‌های او جوانان "حدیث عشق" از هر زبان که می‌شنویم تا مکررات "او" بازگو می‌کنند و دیگر صحبت تیرین ترا از این اگر گناه را به گردن "سانسور" می‌گذاشتند که بود و سخت گزیده بود به طوریکه زبان‌ها را بستند و قلم‌ها را شکسته بودند و آن‌ها به "امیدبان" و "از بیم جان" دم فریبستند، لااقل در دوره کوتاهی که امکان این کار نبود و سرتاسر خیایان دانشگاه را آثار تمام زعمای "چپ" و "راست" و "شیعه" و "سنی" پر کرده بود چرا کوتاهی کردند و حالا چرا؟

اگر انتظار "طرح" هائی مثل طرح‌های "بردر آمد" "یونگو" را دارند یا مثلاً به عنوان "طرح بررسی زندگی مصدق" از طرف "بی.بی.سی" یا "بنیاد دپهلوی" چشم دوخته‌اند تا به رقابت بایستند که هیچ و گرنه مانند مرحوم محمد قزوینی با آن جان جو و دوغ گسو" بسازند و با اهل قدرت زمانه ماشاات نکنند و به این مهم بپردازند. اگر بانی خیری پیدا شود حتی به قیمت آنچه که "حاکم ابوظبی" کرد متوسط اهل علم تاریخ معاصر این کار را انجام دهد و افعلاً ارزش دارد.

(نقل است که برای نوشتن تاریخ نداری ابوظبی، حاکم آن ۵۰۰ هزار دلار اعتبار رفتی تخمینی داده است.)

به جرات می‌توان ادعا کرد که اگر دشمنان "گذشته" و "حال" مصدق سرمایه‌ای برای این کار می‌گذاشتند رقابتی درمی‌گرفت شامائی.

نقل است که دولت‌های استعماری هر ۳۰ سال را زکشتی کرده‌اند و از سراسر مگسوی گذشته خود بهره‌برمی‌دارند. نکنند مورخین با نزدیک دوره "خاگوشی مصلحتی" دارند.

ما ایرانی‌ها اصولاً مرده پسر است

(تگروفل) هشتم و این را در زمره خلقیات ما نوشته‌اند. گفتیم شاید اگر در زمان حیات این "رادمرد" مصلحت‌ها آمان نمی‌داد بعد از او درمی‌تخته میخورد و در باره‌اش این قوم قلم می‌زنند ولی خیلی زود این نومیدی را نیز به انبان نومیدی‌های دیگر سپردیم. (گفتم این نیز نهم برسرم‌های دگر). اگر چه دولت و ملت به خون منی نرسد در این خیال سپرم که خوبی تمنائی است از زبان خاچیان یا آنکه "قلم درگفت دشمن است" می‌شنویم که این مصلح بزرگ را در کنار گمائی چون "نهر و" "آنا تورک" می‌نشانند که این دو نیز در تاریخ کشورهای خود نقشی اساسی داشته‌اند.

عده‌ای از مصلحت و غرض رسالت را در حد مسئله، نفت خلاصه می‌کنند و با کمال بی‌انصافی فرا موش می‌کنند که هدف اصلی او "مبارزه با استبداد" و استقرار "حاکمیت ملی" بود. نفت جزئی از آن بود مگر نه آنکه "طلای سیاه" به "طلای سیاه" بدل شده بود. او "درس دموکراسی" می‌داد و باید به مدق او شهادت داد که این کار را با دست بسک روزی آغاز نمود. به قول حینی‌ها: راه هزار فرسگی هم ساکت قدم بسروغ بی‌شود.

رسم بر این است که آدمیان لااقل آخر عمر را به دنبال باقیات مالمات می‌روند و در تاریخ جباران زیادی را می‌شناسیم که چون به بیری می‌رسند عین گرگ که وقتی دندانها پیش می‌ریزد گریه میشود، طریق "عابدی" در بیست می‌گیرند به رسم "توبه نصوح" کما اینکه یکی از دوستان سرشناس خوخواری را که در ۳۰ تیر "مصروف در تهران شهر خون به راه انداخت، در قم دیده بود که تسبیح به دست به استقرار مشغول بود.

بگذریم - امید که حضرات وارسلان "خواندمیر" ، بیبقی‌ها (ابوالفضل بیبقی) و محمد بن جریر طبری (نسه احسان) که به حدیث الهی همگی از "حافظه" (دور) روشنی برخوردارند - دور از امیدان و "بیم‌جان" و به جسم "رسالت ملی" از خود آثاری در زمینه‌های یاد شده، بالا بر جای بگذارند که "اقلا" در تاریخ دعا گویدا شد با شنود مغلذ بمانند.

اگر حسارتی ندیده‌قول "سقراط" که گفت: "من خیلی حرف‌ها را نمی‌خواستم برسم این جوان (افلاطون) باعث شد که بگویم. این بی‌فرزانه "مصدق" بر او وارد کرد. به این آرزو که: تورا تحمل امثال ما بیاید کرد که همگن زنده در درختی بی‌برسنگ

(سعدی)

عرب از شیوخ قبیله خود تبعیت می‌کردند. واضح است که شیوخ محلی همواره پشت گرمی به حمایت انگلیس داشتند و از حزب توده می‌توانک بودند که می‌دادا تسلطشان به نفوذ آن‌ها در منطقه، خصم بود خلل وارد آورد. بنا بر این شرکت نفت در صف آرائی علیه اعتصاب‌کنندگان امکان برانگیختن اعراب را در نظر داشت. اعمال همین سیاست در جریان اعتصاب مورد بحث موثر افتاد.

۱ - در شرح مطالب این بخش از کتاب "نفت ایران" بقلم الول ساتن و همچنین از کتاب ابراهام میمان بعنوان "بن دوانقلاب" استفاده شده است. مندرجات فصل‌های شش و هفت کتاب اخیر مخصوصاً مورد استفاده قرار گرفته و محتویات و نشانی بیشتر است. آرشیه انگلیس از فمول نامبرده نقل شده است.

۲ - ۱۹۴۴/۴۰۱۹۷ - PO 371

۳ - ۱۹۴۴/۴۰۱۵۸ - PO 371

۴ - ۱۹۴۴/۴۰۲۲ - PO 371

۵ - ۱۹۴۶-۵۲۷۳۶ - PO 371

۶ - ۵۲۷۱۴ - PO 371

۷ - جلد دوم تحت عنوان "فرصت بزرگ از دست رفته" صفحات ۳۴ به بعد.

۸ - کتاب نفت ایران تا لیب الول ساتن صفحه ۱۴۴ - خاطرات دکتر آخورخا‌های جلد دوم صفحه ۳۰۷

۹ - Mwell Sutton: Persian Oil P.147

۱۰ - ۵۲۷۱۰ - PO 371/1946

۱۱ - ۵۲۷۰۰ - PO 371/1946

۱۲ - ۵۲۷۱۱ - PO 371/1946

۱۳ - ۳۴۲

بقیه از صفحه ۹

عده نفوذ و قدرتی که حزب توده و اتحادیه وابسته به آن بهم رسانده بودند برآید. وابسته نظامی انگلیس در تاریخ ۱۰ ژوئن (۲۰ خرداد) به وزارت خارجه انگلیس گزارش داد که: "وضع کنونی آبادان و آغا جباری هر چند در ظاهر آرام است اما فوق العاده متزلزل است. حزب توده تسلط کامل بر کارگران بالایشگاه دارد و نفوذ در مناطق نفتخیز هم رویه توسعه است. دستگاه مدیریت شرکت نفت عملاً هیچ قدرتی ندارد در هر لحظه ممکن است اعتصابی اعلان شود که تولید را یکبار هم متوقف کند." (۱۱) در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۴۶ (۹ تیر ۱۳۲۵) کنسول انگلیس در آواز در یک گزارش خطاب به لندن گفت: "حکومت این استان عملاً در دست بوده قسار گرفته است" (۱۲) در همان موقع سفیر انگلیس به لندن گزارش می‌داد: "حقیقت امر اینست که در حال

خبرها

خبرگزاری فرانسه ۲۸ ژانویه : عراق اعلام کرد که در حمله هوایی به پایتخت جمهوری اسلامی به شهر مادی ، در شمال عراق ، شش غیرنظامی کشته و بیست نفر دیگر زخمی شده اند . به گفته سخنگوی عراق این حمله که ساعت هشت صبح رخ داد " گسترش خطرناک " در جنگ محسوب می شود عراق برای دفاع از اهالی آن کشور به پاسخگویی خواهد پرداخت .

در این حال جمهوری اسلامی حمله به شهر مادی را تکذیب کرد و اظهار داشت که با دگان بمباران شده رواندوز در هشت کیلومتری شهر مادی قرار دارد .

جمهوری اسلامی ، شب گذشته همچنین اعلام کرد که در حمله هوایی عراقی به دریون و سردشت بیست و چهار نفر کشته و عده زیادی زخمی شده اند . بر اساس اعلامیه نظامی رژیم تهران ، در بمباران دریون که ساعت ۱۲/۳۰ رخ داد ده نفر کشته و ۶۳ نفر زخمی شدند و در بمباران رباط و سردشت که ده دقیقه بعد انجام شد چهارده نفر به قتل رسیدند و نوزده نفر زخمی شدند .

خبرگزاری فرانسه ۳۰ ژانویه : مجمع پارلمانی شورای اروپا که از سوی قندهای اخیر و وین به چشم آمده است ، برای نخستین بار جمهوری اسلامی ، لیبی و سوریه را با ذکر نام به حمایت از تروریسم بین المللی متهم ساخت .

در قطعنامه مجمع پارلمانی شورای اروپا که بیست و یک کشور اروپایی در آن عضویت دارند ، آمده است : روزبه روز آشکارتر می شود که سازمان های تروریستی کمک های لجستیکی ، سیاسی و مالی قابل ملاحظه ای از برخی کشورهای از جمله جمهوری اسلامی ، لیبی ، سوریه دریافت می دارند .

نمایندگان مجمع پارلمانی شورای اروپا خواستار شناسایی و محاکمه اشکال تازه ای از همکاری به ویژه میان پلیس ها و سازمان های اطلاعاتی اروپا آغاز نمودند که شواهدی که به تروریسم کمک می رسانند ، افشاء و علنا " تحقیق شوند و از طریق تشدید کنترل و بازرسی و گردش اطلاعات ، از هرگونه امکان سوء قصد جلوگیری بعمل آید و قوانین قضایی برای مجازات تروریست ها تشدید شود .

خبرگزاری فرانسه ۳۰ ژانویه : شرکت نفتی شورون آمریکا با صدور بیانیه ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی ، به منظور حمل و نقل اختلافات خود با این شرکت که ناشی از مسامحه اموال آن پس از انقلاب اسلامی بود ، مبلغ ۱۱۵ میلیون دلار غرامت بدهد . شرکت شورون بر دایره است . شرکت مذکور که یکی از شرکت های عظیم نفتی جهان است ، از اعضای کنسرسیوم نفت ایران به شمار می آید . کنسرسیوم نفت در سال ۱۳۳۳ تشکیل شد و متشکل از چهار ده شرکت نفتی غربی ، از جمله شرکت های شورون و گلف بود . شرکت شورون در سال ۱۳۶۳ شرکت عظیم گلف را خرید ، به همین دلیل غرامت شرکت گلف نیز از سوی جمهوری اسلامی به شرکت شورون پرداخت شد .

خبرگزاری فرانسه ۳۱ ژانویه : منابع دریایی نفتی در بایتنخت انگلیس دیروز اعلام کردند که بایتنخت نفتی خاگ که قسمت اعظم نفت ایران از آن ما در می شود ، در پی بمباران تلمبه خانه کوره توسط هواپیما های عراقی در هفته گذشته ، از کار افتاده است . همین منابع افزودند توقف صدور نفت از خاگ ممکن است چند هفته بطول انجامد ، زیرا تعمیرات سیات آسیب دیده نیازمند تجهیزات و قطعات بزرگی مهمی است که به فوریت قابل تهیه نیست .

در حال حاضر صادرات نفت جمهوری اسلامی به مقدار نفت از جزیره سیر و مقداری نیز از لوان و رستم منحصر شده است و از یک میلیون بشکه در روز به روزی ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه سقوط کرده است . مقداری نفت از پیش در جزیره سیر ذخیره شده است و مقداری نیز از جزیره خاگ ، قبل از بمباران اخیر با رگیری شده که قرار است برای صدور به جزیره سیر برسد . یک نفتکش یونانی ۲۶۸ هزار و ۱۱۲ تنی بنام ورنل اسکالر روز چهارشنبه برای



کنگره نویسندگان

در ماه گذشته چهار و هشتمین " کنگره " بین المللی نویسندگان " ، با شرکت بیش از چهار صد نویسنده از سراسر دنیا ، در نیویورک برگزار شد . پیش از این جلسه زده می شد که اختلافات آیدئولوژیک و تضادهای عقیدتی میان نویسندگان که از کشورهای با سیستم های حکومتی مختلف گرد هم می آمدند ، برخورد های رادیکال و تنش های کنگره به وجود خواهد آورد ، به ویژه که موضوع اصلی این گردهمایی " توانایی نویسندگان و قدرت دولت " ، برگزیده شده بود . البته چنین نیز شد ، ولی شدت برخوردها و مناقشات بیش از آن بود که پیش بینی می شد .

از همان آغاز ورود " جرج شولتز " ، وزیر امور خارجه آمریکا ، به سالار کنگره با هوو حوال نویسندگان کمیونسنت و برخی از کشورهای اروپایی روبرو شد که خیرا ز شدت التماس و هیجان در میانه های سیاسی - فرهنگی کنگره می داد . نویسندگان چپ با تمایل به چپ طبق معمول ، سیاست خارجی آمریکا را که حتی آزادی مبادلات فرهنگی را از میان بر می دارد ، و " آیدئولوژی " را تنها ملاک شناخت ارزش های فرهنگی قرار می دهد ، به شدت انتقاد کردند . اینها می گفتند ، هنگامی که نویسندگان آزاد اندیش در آفریقای جنوبی ، در شیلی ، ویدر ترسریکیه زندانی و شکنجه می شوند ، دولت آمریکا با کمک های هم نمی گزد ، ولی وقتی نویسنده یا ناشری را در شوروی و لهستان و نیگاراگوئه به بازجویی می برند ، همه بلندگوها بعدا در می آیند و نبود آزادی فرهنگی را در این کشورها چار می زندند !

از میان " آمریکوفیل " ها ، یعنی جانیداران سیاست فرهنگی آمریکا ، به ویژه سخنان " سائول بلسو " ، از مهاجرین روسی - یهودی و برنده جایزه نوبل ۱۹۷۶ ، مناقشه را به اوج خود رسانید .

" بلو " ، نه تنها سیاست فرهنگی ، که مجموعه سیستم حکومتی آمریکا ، " دموکرات ترین " ، نامید و گفت : " دموکراسی در جامعه آمریکا ، نه تنها آزادی ، که عرفا مطلق اجتماع را به مردم ارزانی می دارد ، چیزی که در هیچ جای دیگر نظیر پیدا نمی کند . " حرف های جانیدا رانه " بلو " ، آتش هیجان مخالفین را دامن زد و بیشتر از هر کسی " گونتر گراس " ، برجسته ترین نویسنده " معاصر آلمان را به واکنشی پر خاشویا نه برانگیخت :

" کسی که امروز سیوه زدنگی آمریکایی را ، " بهترین " عنوان می کند ، باید به حد کافی از تروریوری کاری بهره مند

با رگیری نفت از جزیره سیر اجاره شده است ، اما نفت موجود در سیر فقط یکی دو هفته به اتمام می رسد و از آن پس صادرات نفت جمهوری اسلامی از ۲۰۰ هزار بشکه در روز تاجا و نزخواهد کرد .

مجلسد کسپرس ۳۱ ژانویه : جمهوری اسلامی ، به زودی یک دانشگاه جاسوسی در شیراز افتتاح خواهد کرد . گزینش کارهای ویژه ، تخریب و ایجاد فتنه شایسته و شوی مغزی و پیروش مردان انتحاری ، جزو وظایف این دانشگاه است .

باشد ، که مناطق معیرسین دستنکاک دور بر خود را نادیده بگیرد . حکومت می شود چنین آدمی " بررونکس " (یکی از فقیرترین ملات پنجانگانه - سیویورک) را ندیده باشد . جایی که مردم نه مان دارند و نه مسکن و به سختی که روزی به " سائول بلو " معینا از ما نیفتا دویسر نظرات خود تاء کیدورزید :

" آنچه من گفتم در باره ناعده وقتا نویسی است که البته استثنائاتی هم دارد . کلیت دموکراسی در آمریکا ، چیزی است و وجود برخی اشتباهات در سیستم حقوقی و اجتماعی آن ، مزید بر آن !

پس از " بلو " ، نویسنده روسی - نژاد آمریکا کی آکس نویوف " ، به حمایت از او برخاست و گفت :

" برای من هیچگاه قابل فهم نبوده است که نویسندگان آلمانی ، حکومت می توانند تقاضای چنین ستا زده در باره آمریکا پیدا کنند و آن را غمگینانه به یاد انقا بگیرند .

خانم " نادین کوردیجر " ، نویسنده تبعیدی آفریقای جنوبی کوشیدت سا همکاران را به آزارش بازگرداند و بیسه آن ها ، ارزش های فرهنگی " گونتر گراس " را یاد آوری شد :

یادمان باشد که " گراس " همان کسی است که زبان آلمانی را از تنگنالی برداری های هیپتری رهائی بخسیده است .

بگذارید این یادداشت کوتاه را در باره " کنگره " نویسندگان " ، با این یکی دو جمله از " گراس " که سخت بردل و جان می شنید ، به پایان برسم .

" ... و رنگی آیدئولوژی های سیاسی و مذهبی ، تا بودی نهاد های اخلاقی و بالادزه " خودی پیر انسانی " بشریست ، چیز دیگری را جز " آدورخ " ، بیش حد - م ادیان این روزگار نمی کشاید . در میان حناتی از این دست ، غالب روشنفکران می گوندند " قدرت حکومت " را ، " تلطیف " کنند و راه را برای اعمال آن هموار سازند . اعمال قدرت حکومت پیوس ، بدون " فلسفه " دولت هگسل امکان پذیر نمی بود . " ماکیارا " کسی قواعد اعمال قدرت حکومت را از بیسن تنظیم کرده است . قواعدی که هنوز نه تنها در " کرملین " و " کاخ سفید " بلکه در بسیاری از کشورهای جهان سوم موبه مو اعمال می شود !

فرمانده کل دعا و نفرین

پاری ، برویم سراغ " دوزخیان " خودمان ! " امام امت " با همه کردن شقی ها " نه یک کلمه کمتر نه یک کلمه بیشتر " ما که معروف حورتان هست این روزها در مورد ارتش و ارتشیان ، خلاف طبع خود ، به ورطه مجیز و استمالت افتاده

این دانشگاه کازوسی وزارت اطلاعات و امنیت رژیم خمینی ساخته شده ، کارشنان بسیار روزیبه " تروریسم و تخریب را به عنوان استادا انتخاب کرده است . جالب تر آن که تدریس تروریسم داخلی به عهده کارشناس مشهور آرمکی ، ابونذال فلسطینی گذاشته شده است .

خبرگزاری فرانسه ۲۷ ژانویه : رولاندوما ، وزیر روابط خارجی فرانسه دیشب اعلام کرد در مورد آزادی گروگانهای

است ، نگفته پیدا است که سبب چیست . حضرتش خوب می داند که با همه سیاهان زمین و بسا رخود ساخته ، بسا سنگین جنگ " حق علیه باطل " را باید به دوش ارتش بگذارد . و این را نیز می داند که فشار و تحقیر هم اندازه دارد و بالاخره روزی همین " ارتش " و بسال جانش خواهد شد ، اینست که به روال همه مستبدان ریاکار ، از تحقیر و تحقیر بائین آمده و به تحقیر و ترغیب ارتشیان پرداخته است . می فرماید : " ما وظیفه حادای داریم که از ترس بسنای کنیم ... کسی که سلطان اسارتی را می داند باید حفظ کند . آدمی که سلطان است ، آدمی که علاقه دارد به کنوراسلامی ، می داند که ارتش از ارکان حادای هست (۱) که اسلام را حفظ می کنند .

و خیال می کنند که ما از یاد برده ایم که زمانی گفته بود : ما ارتش را غوثی را می خواهیم چه بکنیم ؟ و از یاد برده ایم که اعوان و انصارش و فرزندخواندگان قدیش روزوشب " انحلال ارتش غوثی " را زمره می کردند ، و با خیالی می کنند که مردم منفرخوردند و ندانند که " تشکیل نیروهای هگا نه در سگاه پاسداران " از کدام نقشه خائنانند آب می خورد . هرکس نداند دنیا قصبه را جور دیگری تفسیر کند ، دست کم خود ارتش ها می دانند و درست بهمین جهت هم هست که خطر بیخ گوش مبارک حضرت امام سوت کشیده و سرش را به مجیز و استمالت خم کرده است ، می فرماید : " ... مطمئن باشید که شما با یاد آرید . ارتش مطمئن باشد که با یاد راست

نما مطمئن باشد که ما از شما یستیب نمی کنیم ... با کمال اطمینان معمول خدمت باشید . هیچ کس نمی تواند به وضع سوابه " قدرت " شما یک ترمی نکند و کسی سواد که یک تضغی از شما بکند ، پس از استمالت های از این دست ، که " مبخدا " ی قضیه است ، " خبر " اصلی سیر می آید : تشویق و ترغیب برای رفتن به جنگی که هدفش تصرف و گریلا و کشودن راه به سوی " قدس عزیز " است :

" ... خدا به ما وظیفه داده . وظیفه معین کرده ، وظیفه حادای را داریم عمل می کنیم پیدا سید که این سعادت دنیا و آخرت شما را ... حفظ خواهد کرد ... به وظیفه ای که فانون برای شما معین کرده ، به وظیفه ای که اسلام برای شما معین کرده ، به آن وظیفه عمل کنید ... برای حفظ آبروی خودتان ... رای حفظ اسلام ... برای کشور خودتان ... حالا ببینیم حضرت امام که اینگونه با استدعا و زنجوره و وظیفه " ارتشیان ، را تعیین می کند و می گوندند آن ها را به فتح گریلا و قدس تحریک کند ، بسرای خودش گه فی الواقع " فرمانده " کل قوا " در بلاد اسلام است ، چه وظیفه ای مقرر می سازد :

" ... حفظ کنید کشور خودتان را ، دفع کنید دشمنان خودتان را ... و من هم که " وظیفه ام دعا گوئی است به شما " و من بی اشکال (۱) هر شب به شما دعا می کنم . بدون استثناء " یک سبب نیست که من به شما قوای مسلحه دعا کنم همه آن را ، و کسی که بر من دعا کند سیرین نکند " !

" فرمانده کل دعا و نفرین " ، در خاتمه " نطق برای خود " طبق معمول ، مژده شهادت نیز می دهد :

" ... همه تا در درگاه خدا رو سفید باشید ، وقتی وارد می شوید در آنجا ، در جمعیتی که " سیدالهدای " در آنجا هست ، شما هم باشید ... " !

فرانسوی اسیر در لبنان بسیار را میدوار است . رولاندوما فاش کرد که مذاکراتش با آدم ربایان ، نه مستقیما " که از طریق تهران و مقامات رژیم خمینی انجام می گیرد ، زیرا سرخ این ماجرا در درجه نخست بدست مقامات جمهوری اسلامی است ، وی اضافه کرد که دولت فرانسه کم و بیش از هویت آدم ربایان و محل گروگانها با اطلاع است .

نشانی:
QYAM IRAN
C. O. C. B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد